



منابع مستقل و قابل اتکا خبری و خانواده سرکوهی از وجود هرگونه خبری در مورد سرنوشت وی اظهار ادامه در صفحه ۳

وارد آوردن این اتهام به سرکوهی، به معنی وجود خطر اعدام تلقی شد. این شایعه سیاسی تمامی ایرانیان آزادیخواه را برانگیخته و زمینه ساز واکنش نیروها و مطبوعات ایرانی در خارج از کشور شده است.

شایعه اعدام

فرج سرکوهی

● گفته می شود این

شایعه بخاطر سنجیدن

واکنش جهانی توسط

خود رژیم پراکنده شده

است

● تا دیر نشده است

باید با تمام قوا برای

نجات جان سرکوهی

کوشید

شایعه ای در تهران و دیگر شهرهای میهن پراکنده اند که فرج سرکوهی اعدام شده است. این شایعه نگرانی تمامی ایرانیان آزادیخواه را برانگیخته و زمینه ساز واکنش نیروها و مطبوعات ایرانی در خارج از کشور شده است.

فرج سرکوهی از ۲ تیرماه امسال پنهانی و در بی ادگانهی در تهران به اتهام «جاسوسی برای کشورهای خارجی و تلاش برای خروج غیر قانونی از کشور» محاکمه می شود.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در ایران ادامه دارد

۴ تن دیگر از زندانیان سیاسی بر اثر ادامه اعتصاب جان خود را از دست دادند

● حمیدرضا داداشی و مهرداد وثوقی از فدائیان خلق (اکثریت)، جعفر عباسی و عبدالرضا حامدی از

مجاهدین به شهادت رسیده اند

● شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با انتشار اطلاعیه تازه ای همه آزادیخواهان را به

تشدید فعالیت برای نجات جان زندانیان سیاسی اعتصابی فرا خواند

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ایران که خبر آن اولین بار توسط سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) منتشر شد در ۱۶ خرداد ماه گذشته از زندان عادل آباد شیراز آغاز شد و به زندان های اصفهان، تبریز، اهواز و تهران نیز سرایت کرد. خواست زندانیان کاهش فشار و شکنجه و بهبود وضعیت رفاهی زندان ها است. خبر اعتصاب غذای زندانیان سیاسی، با سکوت کامل و هماهنگی همه روزنامه ها و وسایل ارتباط جمعی در ایران مواجه گشته است و رژیم در خفا اقدامات خود برای درهم شکستن مقاومت زندانیان را افزایش داده است. در همان حالی که مسئولان رژیم گستاخانه وجود زندانیان سیاسی در ایران را انکار می کنند، مسئولان آنان در کار درهم شکستن مقاومت قهرمانانه گروه نامعلومی از زندانیان

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ایران در هفته گذشته قربانیان تازه ای گرفت است. بنا بر برخی از گزارش های رسیده از ایران به دنبال مرگ کامران یزدانی عضو سازمان کارگران انقلابی ایران، گروه دیگری از زندانیان سیاسی بر اثر ادامه اعتصاب غذا جان خود را از دست دادند. جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کلن، در اطلاعیه ای به تاریخ ۱۹ تیر ماه خبر داده است که در شنبه ۱۴ تیر ماه دو عضو سازمان مجاهدین خلق ایران و دو عضو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، بر اثر ادامه اعتصاب درگذشته اند. جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران نام آخرین قربانیان اعتصاب غذا را جعفر عباسی و عبدالرضا حامدی (مجاهد خلق) و حمید رضا داداشی ۳۴ ساله و مهرداد وثوقی ۲۹ ساله (فدائیان خلق)، اعلام کرد.

بیانیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

برای تحقق خواست های فوری مردم
برای تامین فضای باز سیاسی و آزادی احزاب
باید به مردم اتکا کرد

در صفحه ۲

یزدی، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی:

غیر روحانی حق ندارد در سیاست دخالت کند

چندی پیش نیز هیأت های مؤتلفه اسلامی از گروه بندی های جناح رسالت که سخنگویان حسین الله عسگر اولادی است، خواهان حذف جمهوریت نظام اسلامی و برقراری «حکومت اسلامی» به جای «جمهوری» ادامه در صفحه ۲

محمد یزدی رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی و از سران جناح رسالت، سه شنبه هفته گذشته (۱۷ تیرماه) در دیدار با قضات و کارکنان سازمان قضائی نیروهای مسلح گفت: «سیاست، حکومت و ولایت اسلامی در شأن روحانیت جامع الشرایط است و غیر روحانی حق ندارد در سیاست دخالت کند». یزدی تصریح کرد: «در زمانی که فقیه جامع الشرایط و رهبر نظام اسلامی وجود دارد بقیه حق دخالت در مسائل حکومتی را ندارند».

مسئولیت همه جناح های حکومتی

در نقض حقوق بشر

در هفته های اخیر، اخبار نگران کننده ای از وضعیت زندانیان سیاسی انتشار یافته است. بخشی از زندانیان سیاسی در اعتراض به پایمال شدن حقوقشان توسط ارگان های سرکوب جمهوری اسلامی، دست به اعتصاب غذا زده اند و بی اعتنائی حکومت به خواست های آنان، به مرگ چند تن از آنان انجامیده است. تعدادی از زندانیان سیاسی را اعدام کرده اند. شایع شده است که فرج سرکوهی نیز در میان آنهاست. این شایعه، می تواند به عمد از سوی حکومت انتشار یافته باشد تا واکنش افکار عمومی داخل و خارج از کشور را در برابر چنین جنایت احتمالی بسنجند. از اینرو تنها پاسخ شایسته به چنین شایعه ای، دو چندان کردن تلاش برای روشن شدن سرنوشت سرکوهی، علنی شدن محاکمه او و رعایت و احقاق حقوق انسانی این روزنامه نگار است.

آنچه در این موج جدید پایمال شدن حقوق بشر در زندان های کشور قابل توجه است، این است که این پایمال کردن حقوق قانونی زندانیان و متهمان سیاسی در شرایطی صورت می گیرد که رئیس جمهور منتخب در رأی گیری اخیر، وعده برقراری قانونیت داده است. اکنون حکومتی که تا یکی دو هفته دیگر خاتمی عالی ترین مسئولیت اجرایی آن را به عهده خواهد گرفت، قصد جان روزنامه نگاری را کرده است که همراه با سایر روزنامه نگاران، با استفاده از فرصت ایجاد شده در دوره مسئولیت خاتمی در وزارت ارشاد، نسل جدید مطبوعات مستقل را بنیاد گذاشتند. آقای خاتمی به خوبی می داند که تنها گناه سرکوهی، استفاده کاملاً قانونی از همان جواز است که تحت مسئولیت خاتمی صادر شد. بعید به نظر می رسد که خاتمی مانند رفسنجانی حاضر به تکرار علنی دروغ های بی شرمانه ای باشد که وزارت اطلاعات در پرونده سازی علیه سرکوهی بهم یافته است. همه می دانند که سرکوهی در آبان ماه و آذرماه سال گذشته در زندان بود و نه در خارج از کشور. همه خواندند و شنیدند که در دی ماه، سرکوهی را تنها به اتهام ساختگی اقدام برای خروج غیرقانونی از کشور دستگیر کردند، و اکنون همه - از جمله آقای خاتمی - می خوانند ادامه در صفحه ۲

به دستور شورای اداری رژیم،

«مرکز مطالعات استراتژیک» از نهاد ریاست جمهوری منفک و به «شورای مصلحت نظام» منتقل شد

در نبرد دو مرد قدرت مند رژیم خاتمی یک رئیس جمهور بی اختیار خواهد شد؟

نظر مستقیم رفسنجانی فعالیت می کرد. بعد از شکست جناح خط امام در انتخابات مجلس چهارم، رفسنجانی، موسوی خوئینی ها یکی از سران این جناح را به ریاست این مرکز نهاد. موسوی خوئینی هابعد از مدتی از این مقام استعفا کرد و به تعبیر روزنامه

مرکز مطالعات استراتژیک یکی از نهادهایی است که وظیفه آن تحقیق و ارائه پیشنهاد پیرامون مسایل و جهت گیری های استراتژیک نظام جمهوری اسلامی است. این نهاد همزمان با ریاست جمهوری رفسنجانی تاسیس شد و تاکنون زیر

با خبری که هفته پیش روزنامه آمریکایی لوس آنجلس تایمز منتشر کرد به نظر می رسد که شایعات مربوط به تشدید گفتگو میان آمریکا و جمهوری اسلامی بر سر عادی سازی مناسبات قیامی چندان هم بی اساس نبوده اند. روزنامه مذکور به نقل از یک مقام بلند پایه کاخ سفید نوشت که آمریکا نه تنها مخالف بهبود اخیر مناسبات میان عربستان سعودی و

بلاگرفتن تشنج میان دو کشور در جریان جنگ اول خلیج فارس که در عین حال ماجرای ایران کیت نیز در متن آن روی داد، به نظر می رسد که موضع بی طرفانه جمهوری اسلامی در جریان جنگ کویت، گشایش مختصری در روابط تهران و واشنگتن پدید آورد و راه برای عادی شدن مناسبات گشوده گردد. اما با شروع مذاکرات صلح ادامه در صفحه ۳

جمهوری اسلامی نیست، بلکه خود نیز می کوشد که از طریق مقامات ریاض ارتباطات مخفی خود با دولت ایران را شدت بخشد و امکانات بهبود مناسبات با تهران را مورد بررسی قرار دهد. مناسبات آمریکا و جمهوری اسلامی در طول ۱۸ سال گذشته کش و قوس های بسیاری به خود دیده است. پس از بحران گروگان گیری کارمندان سفارت آمریکا در تهران و پس از

در این شماره

ایران به چپ نیرومند نیاز دارد

سهراب مبشری
صفحه ۷

در آستانه امروز

امیر شمینی
صفحه ۸

نگاهی کوتاه

به انتخابات ریاست جمهوری

بیژن حکمت
صفحه ۷

گویا: سیاست «با حساب خود»

برگردان: داراب شکیب
صفحه ۱۱

یادداشت

سلب تابعیت بخاطر زن ستیزی

ادامه فشارها غیرانسانی بر افغانی‌های مقیم ایران و تصمیم جمهوری اسلامی به ممنوعیت از کار «غیرقانونی» آنان و شتاب بخشیدن به بازگرداندن بخش‌های بزرگی از آنها به افغانستان صرف‌نظر از اینکه با بی‌اعتنایی به حقوق بشر و بی‌توجهی به شرایط سیاسی موجود در افغانستان صورت می‌پذیرد، پیامدهای منفی دیگری هم داشته است که البته نه به ماهیت این تصمیم، بلکه به حضور پر قدرت پیش‌زن‌ستیز، در جمهوری اسلامی و قوانین جاری ناشی از این نگرش در میهن ما مربوط می‌شود. روح حاکم بر قوانین جمهوری اسلامی در مورد روابط زن و مرد اساساً مبتنی بر تبعیت و وابستگی زن به مرد و بی‌حقوقی آن در برابر این معیار است. زن تبعه آن کشوری به حساب می‌آید که شوهرش مقیم آنجا است. به این ترتیب بسیاری از زنان ایرانی که با افغانی‌های مقیم ایران ازدواج کرده‌اند، اینک که شوهران آنها بازگردانده می‌شوند، باید اجباراً میهن خود را ترک کنند و تا خواسته همراه شوهر به افغانستان بروند. بر اساس قوانین مدنی و حقوقی بسیاری از کشورها مرد و زن خود بخود و بدون هیچ مانع و اما و آگری می‌توانند به تبعیت کشور یکدیگر درآیند و کسی نمی‌تواند آن‌ها را اخراج کند. در جمهوری اسلامی اما فرد غیرایرانی اگر زن ایرانی بگیرد نمی‌تواند با استناد به ملیت همسرش به تبعیت ایران درآید به عبارت دیگر زن ایرانی از زمان ازدواج با مرد غیرایرانی دارای تابعیتی شناور می‌شود که نه تنها شوهرش را از حقوق اقامت در ایران بهره‌مند نمی‌کند، بلکه باید تبعیت و محل سکونت خود را در صورتی که به ادامه زندگی با شوهرش علاقمند باشد چه خواست و تبعیت او پیوند بزند و در صورت اخراج مرد از ایران، اجباراً همراه او شود و به تبعیت تن دهد.

طرف یک سال و اندی که از حکومت طالبان می‌گذرد، جمهوری اسلامی کوشیده است که بر بستر جنایت و اقدامات ضد انسانی آنها وجهه خود را ترمیم کند و با معرفی طالبان بعنوان نماد زن‌ستیزی و بی‌اعتنایی به حقوق اولیه انسان‌ها این اتهامات را از خود دور سازد. اما برخوردی که با زنان ایرانی ازدواج کرده یا افغانی‌های مهاجر می‌شود، حاکی از آن است که اسلام جمهوری اسلامی و طالبان آنجا که به بی‌حقوقی زنان مربوط می‌شود، یکسانی‌ها و شباهت‌هایی با هم دارند و زنان ایرانی و افغانی در بسیاری از موارد قربانی درک و پیش‌متحجرانه و ارتجاعی واحدی هستند.

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در باره اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ایران
**زمان غفلت نیست،
 به یاری زندانیان سیاسی بشتاییم!**

چهار تن دیگر از زندانیان سیاسی بر اثر ادامه اعتصاب غذا، در زندان تبریز جان خود را از دست داده‌اند. اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ایران که از شانزده خرداد ماه گذشته از زندان عادل آباد شیراز آغاز شد، اکنون زندان‌های بزرگ کشور و از جمله تهران را فرا گرفته است. زندانیان سیاسی خواهان پایان دادن به فشار و شکنجه و برخورداری از حقوق انسانی خود هستند.

حکومت اسلامی نه تنها حقوق انسانی، بلکه اساساً موجودیت زندانیان سیاسی را نفی کرده و منکر وجود مخالفین سیاسی خود در زندان‌های پیشمار زندان بزرگ اسلامی است. اکنون این بیم وجود دارد که رژیم به قصد درهم شکستن مقاومت زندانیان به جنایت‌های تازه‌ای دست بزند. تجربه نشان داده است که این حکومت از دست زدن به هیچ جنایتی ابایی ندارد.

در این اقدام شجاعانه‌ای که زندانیان سیاسی ایران به آن دست زده‌اند، هر لحظه غفلت ما دست رژیم را برای انجام جنایت دیگری باز می‌گذارد. حکومت اسلامی را باید برای عقب‌نشینی در برابر خواست‌های زندانیان و از این طریق پایان هر چه سرکشی و موقفیت‌آمیز این اعتصاب به نحوی شدیدتر از آن چه تاکنون انجام شده، تحت فشار قرار داد. فدائیان خلق با همه قوا از خواست‌های زندانیان سیاسی اعتصابی حمایت می‌کنند و همه آزادی‌خواهان را به تشدید اقدامات عاجل برای جلوگیری از جنایات بیشتر در زندان‌های سیاسی ایران فرا می‌خوانند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
 ۲۵ تیر ماه ۱۳۷۶

بیانیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

برای تحقق خواست‌های فوری مردم برای تامین فضای باز سیاسی و آزادی احزاب باید به مردم اتکا کرد

حمایت ۲۵ میلیون شهروند ایرانی را بدست آورده است. عدم اتکا به حمایت و عذر مخالفت این با آن نیرو، توجیهی برای بی‌عملی احتمالی او نخواهد بود. تردید نباید داشت که بدون تحدید بیدرنگ قدرت و قلمرو ولی فقیه و شورای نگهبان به سود رئیس‌جمهور و در نهایت پایان دادن به درآمیزی دین و دولت، چشم‌انداز روشن و امیدبخشی در برابر تمایلات اصلاح‌طلبانه پدیدار نخواهد شد.

حلقه مرکزی در راستای خواست مرکزی مردم که تامین دموکراسی کامل در کشور است، امروزه تامین فضای باز سیاسی و آزادی احزاب است. آزادی خواست مرکزی میلیون‌ها مردمی است که بپای صندوق‌های رای رفتند و اراده خویش را اعلام کردند. آزادی خواست اصلی میلیون‌ها مردمی است که بدلیل نفرت از استبداد حاکم یا در انتخابات شرکت نکردند و یا رای سفید به صندوق‌ها ریختند. مطمئناً منافع اکثریت عظیم کسانی که در انتخابات شرکت کرده و به نامزد جناح راست افراطی رای دادند نیز با ولایت فقیه و سیاست‌های ویرانگر حکومت در تضاد است.

این انتخابات کاملاً غیر دموکراتیک بود. مردم در شرایط ممنوعیت فعالیت احزاب سیاسی و لغو نامزدی مستقل توسط شورای نگهبان، و در شرایط سيطرة استبداد بر رسانه‌های گروهی، در برابر یک انتخابات ناموکرراتیک قرار گرفتند. در یک شرایط آزاد بیگمان مردم ما از این قاطع‌تر مخالفت خود را با حکومتگران اعلام داشته و نشان می‌دادند که خواهان آزادی سیاسی و بازسازی اقتصادی - اجتماعی کشور هستند. فضای باز سیاسی و تامین آزادی سیاسی خواست فراگیر و مرکزی همه مردم رنجیده کشور ماست و باید هرچه سریعتر متحقق گردد. سازمان ما در راستای این خواست مرکزی و برای تحقق خواست‌های فوری مردم انجام

واپسگرایی و اختلافات درونی ائتلاف حکومتی مدافع آقای خاتمی نیز عامل بزرگ دیگری است که میدان عمل وی را محدود میکند. روشن است که خاتمی به مثابه یک شخصیت سیاسی در حلقه پیروان جمهوری اسلامی و متعبد به ولایت فقیه و دیگر اصول ایدئولوژیک جمهوری اسلامی نمی‌تواند نماینده یک رادیکالیسم آزادیخواه در مبارزه درون ساختاری جمهوری اسلامی باشد. چنین رادیکالیسمی در سرشت خود باید بیانگر یک مستگیری روشن برای جدا کردن دین از دولت باشد و بدون این مستگیری نمی‌توان به پیگیری یک برنامه در مبارزه برای دموکراسی مطمئن بود. چنانچه خاتمی در اجرای وعده‌های برنامه‌های خود، و قبل از همه تامین آزادی‌های سیاسی پیگیر باشد، راهی جز آن ندارد که قبل از هر چیز بر اراده مردم، بر اراده دریای میلیونی متکی شود و در جهت خواست و اراده آنان حرکت کند. این تصور که می‌توان پشت درهای بسته و با زوهندهای درون حکومتی راه آزادی را هموار کرد نادرست و بی‌سرانجام است. مردم مرجع و داور اصلی هستند و رای و اراده آنها باید مبنای باشد و با تکیه بر این رای و اراده باید مدافعین تداوم استبداد را به عقب نشینی ناچار کرد. ولی فقیه و همدستان اصلی وی امروز نمی‌توانند به شکل و سیاق پیشین با رئیس‌جمهور برخورد کنند. ولی فقیه و همدستان و متحدین اصلی ضد اصلاحات وی با مردم دربرو هستند و امروز فشار رای مردم را روی دوش خود احساس می‌کنند. چنانچه رئیس‌جمهور جدید بر این شرایط واقف بوده و به رای و اراده مردم متکی باشد، می‌تواند در جهت عملی کردن تعهدات خود و فراهم کردن شرایط برای باز کردن فضای سیاسی حرکت کند. از سوی دیگر در شرایطی که خاتمی

یزدی:

غیرروحانی حق ندارد در سیاست دخالت کند

ادامه از صفحه اول
 اسلامی» شده بودند. اکنون محمد یزدی پا را از این هم فراتر می‌گذارد و می‌گوید در نظام اسلامی اصلاً کسی جز آخوندها حق دخالت در سیاست را ندارد. البته معلوم نیست در این میان از نظر آقای یزدی تکلیف مدافعان دوآتشه مکلای ولایت فقیه مانند عسگر اولادی چه خواهد شد و امثال او اصلاً حق دارند پیشنهادهایی مانند تبدیل جمهوری به حکومت اسلامی را ارائه دهند یا نه.

باید به جناب یزدی دست‌میزاد گفت که عاقبت جان کلام ولایت فقیه را در دو جمله ساده خلاصه کرد و آنچه را جمهوری اسلامی ۱۸ سال است هر روز اجرا می‌کند، به زبان ساده برای همگان بیان نمود. آقای یزدی همچنین افسزوده است که «فقهای جامع‌الشرایط... هر مقدار که دستشان باز باشد، ولایت و حق تصرف در حقوق مردم را دارند». که البته برای مردمی که نزدیک به دو دهه است حقوقشان پایمال مرتجعینی

مانند یزدی است، تازگی ندارد. آنچه صراحت‌کلامی است که رئیس قوه قضائیه نشان داده است. ازین پس هرکس این سخنان را خوانده باشد می‌داند که از نظر او، مردم، محجورینند و از دخالت در سیاست محروم، و جواز دخالت در سیاست، عامه است.

به نظر می‌رسد سخنان یزدی، واکنشی خشم‌آلود در قبال رای مخالف مردم به ولایت فقیه در انتخابات اخیر ریاست جمهوری است. در حالی که رهبر نظام اسلامی و تقریباً کل روحانیت حاکم، یک نامزد «اصح» را برای مردم دستچین کرده و در صدر لیست گذاشته بودند، مردم از میان چهار نامزد باقی‌مانده از روند تصفیه و حذف، آن یک را انتخاب کردند که بیشترین فاصله را با ولایت فقیه داشت



گنجانده شده اما نه نص این قانون و نه همه تفسیرهایی که توسط گردانندگان جمهوری اسلامی از آن ارائه گردیده، حاکی از آن نیست که غیرروحانیون از دخالت در سیاست و حکومت محروم‌اند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است که مجلسی هست و رئیس‌جمهوری و وزرا، و هیچ‌جا هم نیامده است که رای‌دهندگان و رای‌گیرندگان باید روحانی باشند. رئیس قوه قضائیه، همه این نهادها را قانونی جمهوری اسلامی را زیر سؤال برده است. در هر نظام دیگری، چنین اظهاراتی از سوی چنین مقامی، فوراً به عزل او منجر می‌شد.

مسئولیت همه جناح‌های...

ادامه از صفحه اول
 و می‌شنوند که بر این اتهام (که قاعدتاً نباید مجازات آن چیزی بیشتر از جریمه نقدی باشد)، تیمت سنگین جاسوسی را نیز افزوده‌اند که می‌تواند حتی دستاویز اعدام زندانی نیز باشد. کدام مدرک و اثبات از هنگام دستگیری سرکوهی در دی‌ماه تاکنون بدست آمده است که تنظیم کیفرخواست جاسوسی را توجیه کند؟ سرکوهی کدام اطلاعات سری را داشته است که بتواند به بیگانگان ارائه دهد؟

آیا این سئوال‌ها نباید ذهن کسی را به خود مشغول کند که با وعده قانونیت به ریاست جمهوری رسیده است و می‌خواهد تا چند روز دیگر، مسئولیت عالی دستگامی را به عهده بگیرد که وزارت اطلاعات، یعنی نهاد بازداشت‌کننده سرکوهی و پرونده‌ساز علیه او نیز بخشی از آن است؟ این عذر که هنوز دوره مسئولیت رئیس‌جمهور جدید آغاز نشده، پذیرفته نیست. آقای خاتمی، اگر واقعاً بخواهد، می‌تواند با اتکا به رای ۲۵ میلیونی مردم، از آنها که زمام امور را در دست دارند بخواهد کاری نکنند که با همه وعده‌ها و شعارهای انتخاباتی او مغایر باشد. چه چیز جلوی اظهار نظر علنی رئیس‌جمهور آینده در مورد حقوق بشر، آزادی عقیده، حق بیان و بالاتر از همه حق زندگی را گرفته است؟ آیا آقای خاتمی می‌خواهد زمامداری خود را هم‌زمان با اعدام یک روزنامه‌نگار به جرم نوشتن آغاز کند؟

در تداوم نقض حقوق انسانی مردم ایران و فاحش‌تر از آن همه، پایمال شدن حقوق قانونی زندانیان سیاسی و عقیدتی، همه جناح‌های حکومت مسئولیت دارند. آزادخواهان ایرانی و افکار عمومی دموکراتیک جهان، نباید هیچ یک از جناح‌ها و مسئولین جمهوری اسلامی را از این مسئولیت معاف دارند. به ویژه آن نیروهایی در درون حکومت که می‌کوشند خود را پایبند به قانونیت و طرفدار رعایت حقوق بشر جلوه دهند، در این مسئولیت سهیم‌اند. امتیاز دادن از پیش به آنها، بدین بهانه که نباید در برابر جناح ارتجاعی تر حکومت تضعیفشان کرد، نه به بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران کمک می‌کند و نه به موقعیت نیروهای درون حکومت اعلام‌شده خود پایبند تعدیل سیاست سرکوب را دارند. این نیروها اگر به این مقاصد اعلام‌شده خود پایبند باشند، باید بدانند که هرگونه عقب‌نشینی در برابر جناح مقابل، موضع آنان را ضعیف تر خواهد کرد. آنها همچنین باید بدانند که اگر توانسته‌اند اعتماد و امیدهایی در میان بخشی از مردم برانگیزند، حفظ این اعتماد و امید، منوط به پایبندی آنان به وعده‌هایشان خواهد بود.

دیپلماسی مخفی بین ایران و آمریکا فعال می‌شود

ادامه از صفحه اول

خاورمیانه و مخالفت جدی جمهوری اسلامی با این روند از طریق حمایت از گروه‌های هوادار خوشونت خود در منطقه، و نیز با پی‌ریزی‌های اوادار آمدن دمکرات‌ها در آمریکا که نسبتاً با اسرائیل و محافل قدرتمند یهودی مناسبات حسنه‌ای دارند روابط دو دولت دوباره مستشج شد و دولت آمریکا با به اجرا گذاشتن سیاست مهار دوگانه در صدد تضعیف و مسزوی‌سازی همزمان عراق و جمهوری اسلامی برآمد. این سیاست در مورد ایران اما در عرصه جهانی از حیثیت چندانی برخوردار نشد و بجز اسرائیل و ازبکستان کشور دیگری از آن استقبال نکرد.

اروپایی‌ها به مناسبات اقتصادی و سیاسی خود با تهران ادامه دادند و جای خالی شرکت‌های آمریکایی که از سوی دولت آمریکا موظف به عدم همکاری با جمهوری اسلامی شده بودند را نیز کم و بیش پر کردند. چین و روسیه نیز به فشارهای واشنگتن برای متوقف ساختن همکاری‌های اتمی و تسلیحاتی خود با جمهوری اسلامی چندان التفاتی نشان ندادند. در این میان در خود آمریکا نیز انتقاد برخی از محافل اقتصادی و سیاسی این کشور نسبت به سیاست مهار دوگانه شدت بیشتری یافت و جناح هوادار عادی سازی مناسبات دو کشور از قدرت بیشتری برخوردار گشت.

همین روندها بود که دولت بیل کلینتون را به ویژه از زمان انتخاب مجدد وی به ریاست جمهوری آمریکا در سال گذشته، به تامل بیشتر در مورد کارایی سیاست مهار دوگانه و اداهت و به تدریج علانمی از تغییر در این سیاست نمودار گشت. روی کار آمدن اسلام‌گرایان در ترکیه علاقه کم و بیش بارز بخش عمده کشورهای قفقاز و آسیای میانه به حفظ و گسترش مناسبات خود با تهران، تأثیر جمهوری اسلامی در روندهای تاجیکستان و شکست طالبان که پیروزی آن در به دست گرفتن همه خاک افغانستان می‌توانست به عنوان فاکتوری در بستن حلقه انزوی آمریکا به‌گردد

نماندن دور اخیر مذاکرات مخفی تهران و واشنگتن بی‌تأثیر نبوده‌اند.

برای آن دسته از نیروهای اپوزیسیون که در مخالفت خود با جمهوری اسلامی حاضر نیستند از منافع و مصالح ملی کشور چشم‌پوشند، عادی شدن مناسبات ایران و آمریکا و دوستانه شدن آن روندی است که باید از آن استقبال کرد. برای ما مهم آن است که مذاکرات میان جمهوری اسلامی با دولت آمریکا تا حد ممکن علنی باشد و برابر حقوق هر دو کشور و مصالح و منافع طرفین در آن رعایت شوند. ما به مناسباتی که به سهای بسده و بستنهای سیاسی و اقتصادی غیر قابل قبول برقرار شود لیبک نخواهیم گفت. ما از مناسباتی که کاهش فشار برای رعایت حقوق بشر در جمهوری اسلامی را به دنبال آورد و دست دولت تهران را برای تجاوز به حقوق و آزادی‌های اساسی مردم بازگذازد حسن استقبال نخواهیم کرد. برای ما مناسباتی مایه احترام و خرسندی است که به تائین صلح و آراش بیشتر در منطقه بیانجامد، تبادل فرهنگی و اقتصادی را میان کشورها تشدید کند، به سست شدن پایه‌های استبداد و سرکوب یاری رساند و راه بازگشت کشور ما به جامعه جهانی و بیرون آمدن از انزوی ناخواست‌های که جمهوری اسلامی تاکنون به آن تحمیل کرده است را بگشاید. اگر مذاکرات کنونی آمریکا و جمهوری اسلامی در راستای چنین مناسباتی باشد طبیعی است که از حالت مخفی به درآید و افکار عمومی هر دو کشور از روند آن آگاه شوند. اما مخفی بودن این مذاکرات شک و تردیدهای بسیاری را درباره اهداف آن ایجاد می‌کند. وظیفه بزرگ اپوزیسیون دمکرات و میهن‌دوست ایران است که ضمن استقبال از عادی شدن مناسبات کشور ما با آمریکا بر علنی شدن مذاکرات پافشارد و با چند و چون آن برخوردی هشیارانه و انتقادآمیز در صورت لزوم اعتراضی داشته باشد.

تغییر در تقسیمات جغرافیائی کشور به تنهایی مشکلی را حل نمی‌کند

مشکلی را حل نمی‌کند

همان لایحه محدود و پرتناقض خود در مورد شوراهای اسلامی شهر و ده که چندین سال از تصویب آن می‌گذرد را نیز به اجرا نمی‌گذارد.

نکته دوم معیارهای جمهوری اسلامی در انجام تقسیمات مزبور است. برخورد خوشونت‌باری که با خواست تبدیل قزوین به استان شد و در همان حال تبدیل غیرمنطقی قم به استان که بیشتر به اعتبار مذهبی این شهر مربوط می‌شد، همه نشانگر آنند که خلاف ادعاها همیشه این نیازهای اقلیمی، فرهنگی و مسائل ناشی از مدیریت مسترکز نیستند که در تقسیمات ایران نقش اصلی را ایفا می‌کنند، بلکه پارهای از مسائل ایدئولوژیک و یا مسائل سیاسی و جهانی بعضاً فاکتورهای عمده‌تری در تقسیمات مزبورند.

ضرورت‌های ناشی از تمرکززدانی و محول کردن امور مناطق مختلف کشور به مردمان همان منطقه، افزایش مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش و اهمیت بخشیدن به هویت فرهنگی، قومی و ملی مردمان حوزه‌های مختلف جغرافیائی ایران بعلاوه پارهای عوامل دیگر ایجاب می‌کنند که در کنار باز تقسیم‌های ضرور در ترکیب بندی جغرافیائی، سیاسی و فرهنگی کشور، راه حضور مردم در صحنه و تائین مشارکت آنها در رقم‌زدن سرنوشت حوزه زندگی خود هموار شود. اما چه خلعت فقهاتی جمهوری اسلامی و چه درک کماکان نداشتن تفاهت و بانیروهایی که بر این باور نیستند باید داشته باشند؟ طرفداران سلطنت که اخیراً جامه مشروطه‌خواهی برتن نموده‌اند عملی بجز تلاش در جهت احیای مناسبات پشدت عقب‌مانده گذشته و ایجاد مانع در راه تکامل جامعه انتظار دیگری از برنسی‌نگیزند؛ پیروان شکل دیگری از ولی فقیه یعنی سازمان مجاهدین خلق نیز نه تنها در حرکت و چرخه تکامل جامعه نقش مثبت ندارند بلکه نیروی مخرب حرکت تکاملی هستند؛ طیف میلیون سابق که غالباً خود را پرچم‌داران راه مصدق می‌نمایند مستأفانه بخش‌های زیادی از عناصر آنان در اتوپای گذشته‌اند و چهارچوب فکری متعلق به پنج دهه پیش دارند که تفکر نیست دارند.

که عمدتاً به جناح مزبور وابسته‌اند، مسائلی نیستند که خوشایند جناح‌های رقیب باشند. از این رو سود و منفعت لحظه‌ای این جناح‌ها نیز ایجاب می‌کرده است که برای شکستن سلطه جناح رقیب در حال حاضر و جلوگیری از استفاده از برگ قوی خراسان در بازی‌های آتی توسط جناح‌های مختلف، این استان تقسیم شود.

تا آنجا که به منافع و مصالح سراسری و منطقه‌ای باز می‌گردد، تقسیم ضرور استان‌ها و کاستن از بار تمرکز فی‌نفسه امر مثبتی است. به دیگر سخن مصالح تمرکززدانی و تقسیم بهینه مدیریت‌های سیاسی و اداری ایجاب می‌کند که مناطق مختلف کشور تا آنجا که شرایط اقلیمی و فرهنگی و پراکندگی جغرافیائی و مسائل امنیتی ایجاب می‌کند بصورت واحدهای مستقل با مدیریت‌های نسبتاً جداگانه درآیند. اما تغییراتی که جمهوری اسلامی در تقسیمات جغرافیائی کشور صورت می‌دهد در وجوهی مغایر راستاهای مثبت یادشده است. یکی به این دلیل که اینده تقسیمات با افزایش مشارکت مردم در تعیین مسایل و مصالح منطقه‌ای خود نیست و هنوز سر نخ امور کماکان از تهران هدایت می‌شود. در واقع مادام که استانداران و فرمانداران و شهرداران همه مناطق کشور بدون نظر و مداخله مردم و تنها به خواست وزارت کشور تعیین می‌شوند، مادام که شوراهای شهر و روستا و استان وجود خارجی ندارند تا بر کار مدیریت در سطوح مختلف نظارت کنند و مادام که نماینده ولی فقیه‌ای هست که قدرتی مافوق همه ارگان‌ها دارد و برای رای و نظر مردم تره هم خورد نمی‌کند تقسیمات بیشتر در ترکیب جغرافیائی - سیاسی کشور مشکل چندانی را حل نمی‌کند. گشتی است که جمهوری اسلامی

روز ۸ تیر کلیات طرحی از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت که به موجب آن استان خراسان به چهار یا پنج استان تقسیم خواهد شد. به این ترتیب پس از تقسیم استان تهران به دو استان مرکزی و تهران و پس از منفک شدن چند شهر استان آذربایجان شرقی از این استان و تشکیل استان اردبیل از آنها و نیز پس از تبدیل شهرهای قم و قزوین به استان، اینک یکی دیگر از مهمترین تغییرات در تقسیمات جغرافیائی - سیاسی کشور در طول هجده سال گذشته، در شرف انجام است. استان خراسان وسیعترین استان کشور ۲۰ درصد از خاک ایران را شامل می‌شود و در مجموع ۲۳ شهرستان، ۵۴ شهر، ۷۴ بخش، ۲۲۴ دهستان و ۷۹۰۸ روستا را در بر می‌گیرد. فاصله جنوبی‌ترین نقطه این استان تا شمالی‌ترین نقطه آن ۷۵۰ کیلومتر است و مرز مشترک آن با دو کشور افغانستان و ترکمنستان بر ۱۳۰۰ کیلومتر بالغ می‌شود.

گرچه نمایندگان موافق طرح یادشده شرایط اقلیمی متفاوت، شاخص‌های جمعیتی، جغرافیائی و امنیتی و نیز وسعت گسترده استان خراسان، داشتن مرزهای مشترک طولانی با دو همسایه شمالی و شرقی ایران و دشواری‌های مدیریت تعداد زیادی شهرستان و بخش را از دلایل تغییر ضرور در این استان اعلام کردند، لیکن بعضی از انگیزه‌های سیاسی و جناحی نیز در ارائه و تصویب این طرح بی‌تأثیر نبوده است. خراسان با وسعت و جمعیت چشمگیرش بسویژه در سال‌های اخیر به لحاظ اداری و مذهبی تحت تسلط جناح بازار و رسالت بوده است. یک‌تازی و اعظ طیبی که عنوان نایب‌الولیة استان قدس را یدک می‌کشد و وجود استاندار و شهردارانی

شایعه اعدام فرج سرکوهی

مقامات قضائی کشور هیچگونه خبری در باره سرنوشت سرکوهی در اختیار خانواده او قرار نمی‌دهند. خانواده سرکوهی خانم وکیلی را در تهران یافته بودند که آماده دفاع از فرج سرکوهی بود، گرچه به نظر نمی‌رسد که این خانم امکان دفاع از سرکوهی را بیابد. وزارت امور خارجه آلمان نسبت به بیانیه خیرنگاران بدون مرز و دیگران واکنش نشان داد. بر پایه اطلاعات سفارت آلمان در ایران تا ۱۴ تیرماه (۵ جولای) محاکمه سرکوهی نباید شروع شده باشد. به گزارش

ادامه از صفحه اول

بی‌اطلاعی می‌کنند. در بیانیه‌ای که از سوی خیرنگاران بدون مرز، فدراسیون بین‌المللی لیگ‌های دفاع از حقوق بشر، لیگ حقوق بشر فرانسه و اتحادیه بین‌المللی نویسندگان امضا شده است، با نظر داشت به خطری که جان سرکوهی را تهدید می‌کند، به اعتراض نسبت به این امر فراخوانده است.

علی سرکوهی، برادر فرج نیز که در سوئد زندگی می‌کند، پیش از این به خیرنگاران گفته بود که خبری در باره احتمال اعدام وی ندارد. گشتی است که

در نبرد دو مرد قدرتمند رژیم...

اصولی حکومت اسلامی نبوده است و فشارها به او برای آن که تابع سیاست‌های موجود نظام باقی بماند از سوی همان سران و محافل قدرتمند آغاز شده است. محدود کردن اختیارات رئیس جمهور تازه، یکی از روش‌های است که در آینده باید بیشتر شاهد آن بود.

دو کس آشکارا می‌کوشند تا قدرت خاتمی را به سود خود هر چه بیشتر محدود کنند، یکی خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی و دیگری رفسنجانی که هم‌چنان خود را مسترلی انقلاب و نظام اسلامی و مملکت می‌شناسد. رفسنجانی که اکنون علاوه بر خامنه‌ای حریف دیگری را نیز در میدان می‌بیند، به طور آشکارا می‌کوشد تا مقام و موقعیت خود را بالاتر از او قرار دهد. فعال کردن مجمع تشخیص

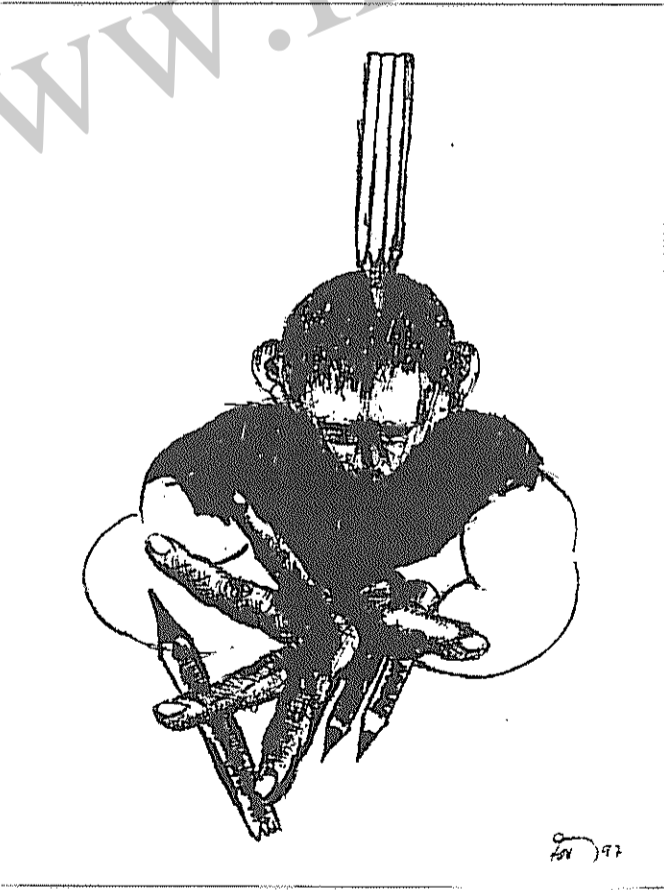
مصلحت نظام که رفسنجانی این بار نه بنا بر مقام رسمی خود، بلکه بنا بر موقعیت شخصی خود در راس آن نشسته و سپردن اختیارات بیشتر به این مجمع از جمله اقدامات آشکاری است که رفسنجانی را هم‌چنان در مرکز قدرت باقی نگاه دارد.

عقیده عمومی این است که رفسنجانی برای زیر آب کردن سر خامنه‌ای و تبدیل شدن به مرد اول حکومت اسلامی نقشه می‌کشد. تلاش‌های او بی‌گمان از چشم خامنه‌ای پنهان نیست. خامنه‌ای در جریان انتخابات طمه معنوی بزرگی خورده است اما هنوز اهرم‌های بسیاری برای مبارزه با رفسنجانی در اختیار دارد. این مبارزه اکنون در خفا و به صورت «محرمانه‌ای» ادامه دارد.

ادامه از صفحه اول

دلیل انتقال مرکز مطالعات استراتژیکی از نهاد ریاست جمهوری و انتقال آن به مجمع تشخیص مصلحت نظام، برخورداری مجمع تشخیص مصلحت از «بازوی استراتژیکی» نظام عنوان شده است، اما در پی این جابه‌جایی هدف‌های دیگری دنبال می‌شود. تلاش برای محدود کردن قدرت خاتمی رئیس جمهور تازه در این جابه‌جایی، آشکارتر از آن است که کسی بتواند مسرکز آن شود. جناح‌های طرفدار خاتمی با توجه به این قصد آشکار، کوتاه کردند دست خاتمی از مرکز مطالعات استراتژیکی و باقی ماندن این نهاد در دست رفسنجانی را مورد اعتراض قرار داده‌اند.

انتخاب محمد خاتمی به ریاست جمهوری، مورد حمایت قدرت‌مندان



تشدید حملات به کارگران

سیاسی دارند و در این میان نقش برجسته‌ای توسط ستاد هماهنگ کننده بخش حراست وزارت کار و سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی در طراحی و اجرای این اقدامات ایفا می‌شود. مأموران این ستاد در حمله به کارخانه تراکتور سازی تبریز ۱۶ تن از کارگرانی را که همگی سابقه فعالیت سیاسی دارند دستگیر کردند. در اقدام

در مبارزات...

ادامه از صفحه ۱۰

تصور دارند جایگاهمان کجاست و چه نقشی در این تغییر و تحولات می‌توانیم داشته باشیم و پشتوانه علمی حرکتیمان چیست؟ کلی‌گویی‌های شعارگونه‌ای که حتی برای احزاب و سازمان‌های سیاسی مرجع هم قابل تفسیر و کاربرد می‌تواند داشته باشد چه مشکلی را از سر راهمان برخواهد داشت؟ نیرویی که خود را مدافع دیالکتیک و تکامل می‌داند چه تفاوتی بانیروهایی که بر این باور نیستند باید داشته باشند؟ طرفداران سلطنت که اخیراً جامه مشروطه‌خواهی برتن نموده‌اند عملی بجز تلاش در جهت احیای مناسبات پشدت عقب‌مانده گذشته و ایجاد مانع در راه تکامل جامعه انتظار دیگری از برنسی‌نگیزند؛ پیروان شکل دیگری از ولی فقیه یعنی سازمان مجاهدین خلق نیز نه تنها در حرکت و چرخه تکامل جامعه نقش مثبت ندارند بلکه نیروی مخرب حرکت تکاملی هستند؛ طیف میلیون سابق که غالباً خود را پرچم‌داران راه مصدق می‌نمایند مستأفانه بخش‌های زیادی از عناصر آنان در اتوپای گذشته‌اند و چهارچوب فکری متعلق به پنج دهه پیش دارند که تفکر نیست دارند.

مشابهی یک کارگر کارخانه روغن نباتی پارس بنام علی حاج قاسم و چهار تن از منتقدان به اسامی کریم حاج محمدی، مجید ریاحی، مسعود نیکخواه و مرتضی علی‌پور به‌همراه دو منتقد دیگر بازداشت شده‌اند. هم‌اکنون ۲۸ تن از این کارگران در بند ۳۲۵ زندان اوین زندانی هستند.

بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها

ایران بزرگترین

وارد کننده گندم جهان

امسال ایران با واردات ۵ میلیون تن گندم به عنوان بزرگترین کشور وارد کننده گندم در جهان شناخته شد. در حالیکه طبق پیش‌بینی مسئولین حکومتی، در زمینه این محصول استراتژیک، کشور ما باید به خودکفایی نزدیک شده باشد. برای خرید ۵ میلیون تن گندم ۶۵۰ میلیون دلار ارز اختصاص داده شده است. در زمینه اکثر محصولات کشاورزی، کاهش تولید چشمگیر است بعنوان مثال واردات حبوبات ۱/۴ میلیون تن و برنج با دو برابر افزایش نسبت به سال گذشته به ۱/۶ میلیون تن رسیده است و باید برای واردات این محصولات ارز هنگفتی هزینه شود. مسئولین حکومتی علت کاهش محصولات کشاورزی را در خشکسالی و سرمازدگی قلمداد کرده‌اند. بگفته آنها حدود ۵۶۵۸ میلیارد ریال به بخش کشاورزی بر اثر خشکسالی و سرمازدگی خسارت وارد شده است.

قالی ایرانی در راه بازگشت از اروپا

چک تاجران فرش در اروپا برگشت می‌خورد. کاهش استقبال اروپائیان از خرید فرش‌های ایرانی، سبب شده است که فروشندگان ایرانی نتوانند از عهده انجام تعهدات مالی خود برآیند.

تاجران فرش در اروپا، در تماس‌های تلفنی با ایران بخاطر اینکه فرش‌های ارسالی آنان هنوز به فروش نرفته است، خواستار تمدید مهلت پرداخت چک‌ها و بدهی‌های خود شده‌اند. این در حالی است که به گفته صادرکنندگان فرش، بسیاری از رقبای فرش ایران در جهان، نظیر چین و ترکیه بازارهای بهتری را در کشورهای اروپایی، برای خود مهیا نموده‌اند.

دعوی مالیاتی

فرش فروشان بازار تهران در پی توزیع اوراق مالیاتی، تصمیم گرفتند با خاموش کردن چراغ‌های مغازه‌ها، به نحوه تنظیم مالیات‌هایشان اعتراض کنند. با این وجود در همان شرایط نیز معاملات فرش فروشان در تاریکی بازار همچنان ادامه یافت.

فرش فروشان در مقابل این سوال که: «چرا خاموشی؟» جواب می‌دادند: «چون مالیات با درآمد نمی‌خواند». خاموشی بازار دو روز طول کشید. در همین فاصله مسئولان اتحادیه صنف فرش فروشان با نمایندگان وزارت امور اقتصادی و دارایی به توافق‌هایی رسیدند. برگ‌های تشخیص مالیات جمع‌آوری شدند و نور آهسته به بازار فرش بازگشت.

معاون مالیاتی وزارت امور اقتصادی و دارایی در مصاحبه با روزنامه‌های کشور، از برقراری عدالت در دریافت مالیات‌ها سخن گفت و اعلام کرد که از همه مالیات‌ها اخذ خواهد شد. یک هفته‌نامه اقتصادی، اعتراض فرش فروشان را بی‌مورد دانست و نوشت هنگامی که کارمندان و ضعیف‌ترین اقشار جامعه، مالیات خود را پیش از گرفتن حقوق‌شان می‌پردازند، اعتراض فروشندگان فرش چه محلی از اعراب دارد؟

همکاری کشتی‌سازی

«خلیج فارس» و هیوندایی

اولین قرارداد همکاری در ساخت و انتقال دانش فنی ۶ فروند کشتی توسط شرکت کشتی‌سازی خلیج فارس و شرکت هیوندایی کره جنوبی به امضا رسید. ارزش این قرارداد که برای همکاری در ساخت ۶ فروند کشتی ۲۲ هزار تنی منعقد شده است، ۱۷۳ میلیون دلار خواهد بود که ۱۲۰ میلیون دلار آن توسط شرکت کره‌ای بمدت ۸/۵ سال تأمین مالی خواهد شد. در این قرارداد چگونگی تأمین مواد اولیه برای سازندگان ایرانی، انتقال دانش فنی در بخش طراحی و ساخت و نحوه تأمین تجهیزات پیش‌بینی شده است.

تعطیلی قابلیاتی شاهرود

به علت گرانی مواد اولیه تولید فرش در سال جاری، بیش از یکصد کارگاه قابلیاتی در شهرستان شاهرود از فعالیت بازمانده است. در پی تعطیلی این کارگاهها در حدود ۲۰۰ نفر که قابلیاتی تنها منبع درآمد آنان بود، بیکار شده‌اند. بگفته مدیر عامل شرکت تعاونی فرش دستباف شاهرود، در سال جاری بهای فرش به یک سوم کاهش یافته ولی قیمت مواد اولیه آن نسبت به دو سال گذشته صددرصد افزایش یافته است.

خسارت زمین لرزه

در ۸ سال گذشته وقوع ۹۴۲ زلزله با قدرت ۳ تا ۷/۳ در مقیاس ریشتر در ایران، موجب کشته شدن ۱۷ هزار و ششصد نفر و مجروح شدن ۵۳ هزار و ۳۰۰ نفر، تخریب ۲۷۵ هزار واحد مسکونی و ۲۵۰۰ میلیارد ریال خسارت شده است. بگفته رئیس ستاد حوادث غیر مترقبه در همایش علمی، وقوع ۱۲ زمین لرزه مخرب با قدرت بیش از ۷ درجه در مقیاس ریشتر در ایران طی ۶ دهه گذشته، فلات ایران را به یکی از فعال‌ترین مناطق زلزله‌خیز جهان تبدیل کرده است.

فیلم ویدئویی میزگرد

در تاریخ ۲۹ ژوئن به دعوت رفقای تشکیلات کلن میزگردی پیرامون موضوع زر قبائل انتقالات ریاست جمهوری، با حضور ۳ تن از اعضای شورای مرکزی سازمان، رفقاه فریدون احمدی، مهدی فتاحپور، یوزار کریمی و فرخ نگولر تشکیل شد که در آن جمعی از فعالین و دوستداران سازمان شرکت داشتند. از گفتگوها و مباحث این میزگرد فیلم ویدئویی ضبط شده است و علاقمندان می‌توانند جهت تهیه آن با آدرس نشریه کار تماس بگیرند.

فارغ‌التحصیلان دانشگاهها بهره نمی‌گیرند. آشکار است که رشته‌های دانشگاهی با واقعیت‌های بازار و نیازهای صنعت همخوانی ندارد و گرنه چگونه می‌توان پذیرفت که یک گیاه‌شناس یا بیولوژیست در کشوری که برمداران آن اهرم رشد اقتصادی را بر محور کشاورزی قرار می‌دهند، فرصت مناسبی برای کار نیابد تا از ۱۶ سال تحصیلی مداوم، هم خود بهره‌مند می‌شود هم به جامعه سود برساند؟

اگر وضع بر همین منوال ادامه یابد و بر میزان بیکاری خیل بزرگ فارغ‌التحصیلان دانشگاهها افزوده شود، باید هزینه تحصیلات آنها را بر ستون زبان‌های اقتصادی کشور در دوره حکومت اسلامی افزود، خرج‌هایی که به نفا رفته است. کشور در حال رشد ما که در راه توسعه کشور شدیداً نیاز به ریال‌ها و دلارهای خود دارد، چگونه می‌تواند چنین خسارت سنگینی را تحمل کند؟

سردمداران رژیم اسلامی نسبت به این معضل جدی یعنی خیل بیکاران فارغ‌التحصیل دانشگاهها و خسارت سنگین ناشی از بیکاری آنها بی‌توجه هستند و هیچ برنامه‌ای برای ایجاد فرصت‌های کار، ایجاد پیوند بین مراکز صنعتی و دانشگاهی، ارتقا کیفیت آموزشی ندارند.

نیازهای صنایع کشور، امروزه بطور آشکار در مسئله کاربرد کامپیوتر مشاهده می‌شود. با وجود فراگیر شدن کامپیوتر و کاربرد عملی آن در بخش اعظم مؤسسه‌ها و نهادهای صنعتی و خدماتی، کشور ما هنوز فاقد یک طیف قابل ملاحظه کاربرد کامپیوتر حتی در سطوح تکنسینی هست که نتیجه آن بالاترین حجم خرید سخت‌افزاری در سطح خاورمیانه و کمترین بازتاب عملی در سطح منطقه است.

علاوه بر موضوع فوق، بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهها، معضل جدی اجتماعی است که به صورت نگران‌کننده‌ای درآمد است. در بخش بهداشت و درمان، پزشکان جوان از آینده خود نگران هستند. تعداد پزشکان در شهرهای کوچک نیز به اندازه‌ای فراتر از نیازها است که اگر تعداد مراجعان را میان آنها به تساوی تقسیم شود، هیچکدام هزینه جاری مطب و محل کار خود را به دست نخواهد آورد. تعجب‌آور نیست که پزشکان به حرفه تجارت روی آورند و یا سایر فارغ‌التحصیلان دانشگاهها به مشاغل مانند بقالی، فروشندگی یا مسافرکشی قناعت کنند.

بی‌شک غرض از گسترش کمی تحصیلات عالی، این نبوده که صاحبان مشاغل و حرف ساده دارای تحصیلات دانشگاهی باشند. در هیچ جای دنیا بسیاری کسارهایی این چنین از

مدت‌ها است که فارغ‌التحصیلان دانشگاهها به «خیل بیکاران» پیوسته‌اند. تعداد آنها در میان بیکاران روزبه‌روز بیشتر می‌شود. دو سه سالی است که پزشکان نیز به جمع بیکاران کشور افزوده شده‌اند.

کشور ما همواره از کمبود متخصصین رنج برده است. بویژه زمانیکه برنامه رشد اقتصادی در دستور قرار می‌گرفت. اما در حال حاضر کشور ما از یک طرف با انبوهی از فارغ‌التحصیلان بیکار مواجه است و از طرف دیگر صنعت و تولید کشور از کمبود نیروی انسانی کارآموز رنج می‌برد.

این مسئله ریشه در بی‌برنامگی گرداندگان حکومت اسلامی در زمینه آموزش عالی و برنامه رشد اقتصادی دارد. در طی دهه اخیر دانشگاهها و مدارس آموزش عالی بی‌توجه به بازار کار و اهداف برنامه رشد اقتصادی و کیفیت تحصیل گسترش یافته‌اند. بین دانشگاه و صنعت و نیازهای آن هنوز هم ارتباطی وجود ندارد. به‌علاوه انت

تیبود پیوند بین صنعت دانشگاه از سال‌های ۱۳۵۰ که اوج رشد صنعت در ایران بود، همیشه مطرح گردیده اما کمترین بهایی به آن داده نشده است و هیچگونه برنامه‌ای برای ایجاد پیوند بین مراکز صنعتی و آموزشی تدوین نگردیده است. به همین جهت صنایع تاوان بی‌توجهی خود به مراکز آموزشی را در افزایش بهای تسامح‌شده محصولات تولیدی می‌پردازند و مراکز آموزشی نیز آماج انتقادهای مراکز صنعتی کشور قرار گرفته است. مسئله نبود پیوند بین دانشگاه و

بندر «امیرآباد»

به‌شهر نیز به

جمع مناطق

تجاری آزاد

می‌پیوندد

بندر «امیرآباد به‌شهر» نیز با پیشنهاد مسئولین استان مازندران و صرف هزینه‌ای معادل ۲۶ میلیارد ریال در سال جاری به مناطق آزاد تجاری افزوده خواهد شد

صنعت دارو و درمان

فوق‌العاده تخصصی و کم مصرف می‌شود که در دنیا تولیدکنندگان کمتری به آن پرداخته‌اند و یا آن که میزان مصرف کشور آنقدر پائین است که هیچ سرمایه‌گذاری وسیعی را برای ساخت آنها، توجیه نمی‌کند. اما فعالیت کارسازی برای استفاده از توانمندی صادراتی محصولات این بخش صورت نمی‌گیرد. مهم‌ترین دلیل ناکامی تولیدکنندگان داخلی صنعت دارو و درمان در عدم صدور محصولات خود، با همه سرمایه‌گذاری که در سالهای اخیر انجام گرفته، این است که دست‌اندرکاران این صنعت بیشتر محقق‌اند و تاجر نشده‌اند. تولید کنندگان دارو تجهیزات پزشکی، عمدتاً کارشناسانی خیره و پزشکان و مهندسانی مجرب هستند که عزم خود را جزم کرده‌اند تا به یکی از اصلی‌ترین نیازهای جامعه پاسخ بدهند و در این راه نیز موفق بوده‌اند.

عدم موفقیت تولیدکنندگان در کار صادرات بخاطر پائین بودن کیفیت محصولات و کمبود امکانات تولیدی نیست، بلکه آنان نه زمان کافی و نه صلاحیت مناسب برای پرداختن به جنبه‌های بازرگانی فعالیت خود دارند. تاکنون سازمانهای تخصصی تجارت خارجی از جمله مرکز توسعه صادرات ایران قدم به جلو گذاشته‌اند تا مازاد تولیدات صنعت دارو و درمان را در بازارهای جهانی و منطقه عرضه کنند.

پنجمین نمایشگاه تجهیزات پزشکی و دارویی در تهران برگزار گردید. در نمایشگاه آشکار شد که در این عرصه تولید بر تقاضای زونی یانته است. تولیدکنندگان دارو می‌گویند که ظرفیت‌های نصب‌شده در کشور می‌تواند کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی را هم بپوشاند. برخی از تجهیزات پزشکی به میزان محدود عرضه می‌شود، اما امکان افزایش تولید از هر جهت فراهم است. بگفته یکی از مدیران واحدهای صنعت داروسازی، اکنون ۹۰ درصد نیاز دارویی کشور از منابع داخلی تأمین می‌شود. این در حالی است که کارخانه‌ها با درصد محدودی از ظرفیت اسمی خود کار می‌کنند. اما وجود کمبودهای آشکار در دسترسی به برخی از داروها دلایل معینی دارد. کمبود بیشتر مربوط به داروهای

اقتصادی منطقه جوش بخورد. وگرنه چند هتل و چند مغازه لوکس عرضه‌کننده کالاهای خارجی بخشوده از حقوق و عوارض گمرکی گریز از کار هم نمی‌گشاید. جز آنکه تعدادی تازه بدون رسیده و میلیارد‌های یک شبه را به خود جلب می‌کند و در عین حال پایگاه جدیدی برای پیل‌وران کالاهای وارداتی و قاچاقچیان می‌شود. همچنان که در مورد کیش و قشم شاهد آن هستیم.

تب ایجاد منطقه آزاد تجاری

بی‌بند و بار و معاف از حقوق گمرکی و قاچاق آن کالاها به سایر مناطق داخل کشور تبدیل شده است. در حالیکه اخذ مالیات از خدمات عمومی، درآمد کارگران و کارمندان و تولیدات کشور مرتباً افزایش می‌یابد و اما مناطق ویژه تجاری روز به روز در جاهایی که واجد شرایط ضرور نیست، ایجاد می‌شود تا تاجر محترم از حقوق و عوارض معاف شوند، بازار داخلی را از کالاهای خارجی پر کنند و در مواردی صنایع داخل کشور را به ورشکستگی بکشانند. این را می‌گویند سیاست محوریت واردات و عوارض گمرکی.

سرکردگان حکومت اسلامی اولویت را به کشاورزی می‌دهند و در همان حال یارانه علوفه را حذف می‌کنند و امتیاز را در واردات به مناطق ویژه‌ای مثل ارگ جدید می‌دهند. اگر هم باید آباد شود، باید همراه با ساختار منطقه پیش برود. هم عالی‌ترین منطقه برای کشت مرکبات و میوه‌های گرمسیری است. اگر به کشاورزی هم توجه شود، ارگ خود به خود بالا می‌رود به شکلی که با ساختار

به نرشته روزنامه‌های کشور شورای عالی مناطق آزاد تجاری و صنعتی، «ارگ جدید» را به عنوان پنجمین منطقه ویژه اقتصادی کشور انتخاب کرد. به گزارش روابط عمومی شرکت عمران ارگ جدید از پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی معاف است و تمام کالاهای ساخته‌شده در این منطقه بر اساس ارزش افزوده خود برای ورود به داخل کشور از معافیت گمرکی برخوردار خواهند شد. ارگ جدید در جنوب شرقی استان کرمان و در فاصله هشت کیلومتری شرق شهرستان بم واقع است.

آنجنان بالا گرفته است که مدتی قبل سیرجان منطقه ویژه اقتصادی اعلام شد. در حالیکه سیرجان مطلقاً محصور در خشکی است. سپس چهارراهی بین قم و اراک بنام سلفچگان نیز منطقه ویژه شد. و اینک نوبت به ارگ جدید رسیده است.

معمولاً مناطق آزاد تجاری و گمرکی در بندر ایجاد می‌شود تا راهی برای جلب سرمایه و صدور آسان فرآورده‌های کشور فراهم شود. در حالیکه در کشور ما بندرهای آزاد و مناطق تجاری آزاد به مرکز واردات

طرح «مسئله زن» در ایران در گذشته و حال

«مسئله زن» در کشور ما، با توجه به شرایط ویژه ایران، شکل خاصی خود را دارد. انقلاب صنعتی و متعاقب آن دمکراسی، زمینه ساز «مسئله زن» و رشد جنبش زنان در اروپا گردید. اما ورود صنعت و شکل‌گیری جامعه جدید در ایران ناقص بود و در نتیجه دمکراسی سیاسی و فرهنگی هیچگاه تحقق نیافت. انقلاب مشروطه توانست تکنولوژی و تمدن جدید را در کشور ما گسترش دهد، دین از دولت جدا نشد و فرهنگ فئودالی و پدرسالاری با جلوه سیاسی آن در حکومت باقی ماند.

در دوره انقلاب مشروطیت زنان بیشتر در فعالیت‌های فرهنگی، حول مسایل روشنگری و برابری طلبی و مبارزه علیه خرافات و جهل، در انجمن‌های مخفی انقلابی، حضور داشتند. شرکت زنان در انقلاب مشروطیت تا بدان روز پدیدآورنی بود اما قانون اساسی مصوبه، به برابری زن و مرد اشاره ای نداشت.

از مشروطیت تا دوره استقرار سلطنت رضا شاه، اقلیتی از زنان مرفه شهری در زمینه کارهای فرهنگی و آموزشی، از جمله روزنامه نگاری و تأسیس مدارس دخترانه فعالیت می‌کردند. خواستهای زنان، رفع حجاب، لغو چندهمسری، و بدست آوردن حق رای بود. جنبش زنان، در این دوره گرچه موفق به دست‌یافتن به خواستهای خود نشد اما بنیانگذار سنت فعالیت‌های «مستقل زنان» گشت.

در دوران سلطنت رضا شاه (۱۳۲۰ - ۱۳۰۰) و سپس محمد رضا شاه (۱۳۵۷ - ۱۳۲۰)، در راستای شکل‌گیری جامعه سرمایه داری و مدرنیسم، سلسله تحولاتی در زمینه موقعیت و حقوق اجتماعی - سیاسی زنان به وقوع پیوست که دارای اهمیت بسیار بودند. اما این تحولات عمدتاً یک جانبه و از بالا بودند و شرایط شرکت گسترده زنان در مبارزه به خاطر حقوق خود را پدید نیاوردند. بسیاری از درخواستهای جنبش زنان، خواسته و ناخواسته در یک جهت با مدرنیسمین حکومت پهلوی قرار گرفت. ایران در این دوره ظاهراً شکل یک جامعه سرمایه داری را به خود گرفت، اما فاقد دمکراسی یک دولت بورژوازی بود. دیکتاتوری حاکم بر جامعه سبب گردید زنان در این دوره نیز نتوانند به تکوین شخصیت و هویت فردی خود بپردازند. هویت آنان همچنان وابسته به خانواده، ایل و تبار و یا گروه و سازمان مذهبی و سیاسی‌شان بود. از سوی دیگر در شرایط ویژه ایران، مبارزه طبقاتی و آزادیخواهانه، مبارزه مستقل زنان را تحت‌الشعاع قرار داد و سبب آن گردید که «مسئله زن» و مسایل مربوط به مناسبات جنسی و موقعیت و حقوق زن در جامعه مدنی و سیاسی به صورت فرعی و کناری طرح شود. انقلاب بهمین وضعیت را دگرگون کرد. زنان بطور وسیع و همه جانبه در انقلاب بهمین (۱۳۵۷) شرکت نمودند. آنان، نه بعنوان زن و با جنبش زنان بلکه به عنوان کارگر، کارمند، خانداندار، و روشنفکر و محصل در انقلاب شرکت داشتند. یعنی در چارچوب مبارزه عمومی. اما دولت حاصل انقلاب زنان را تحت یک سلسله فشارهای ایدئولوژیک - سیاسی قرار داد. حکومت اسلامی به هر چه بیشتر نهادی کردن تبعیض جنسی و مردسالاری در جامعه پرداخت. جمهوری اسلامی با عنوان نمودن حجاب اجباری و سایر قوانین زن ستیز، برای اولین بار در تاریخ سیاسی ایران، «مسئله زن» را به روی صحنه سیاست کشانده و زنان را پراگندگی بخش تا به دفاع از حقوق خود به مبارزه با این استبداد زن‌ستیز بپردازند. مقاومت زنان در این دوره و استفاده از کوچکترین امکانات موجود، در جهت حفظ موقعیت‌ها و ادامه حضور در جامعه، چهره دیگری از زنان و مبارزانشان در جامعه ارائه می‌دهد. از جمله زنان توانمند با کمترین تحصیلات بیشتر و تلاش برای فعال شدن در عرصه‌های مختلف فعالیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با اعمال پدرسالارانه حکومت مستبد، در کل به مبارزه برخیزند.

جنبش چپ تا به امروز پیش‌تاز مبارزه در راه رهایی زنان بوده و بیش از سایر نیروها به برابری زن و مرد پای فشرده است و حضور زنان را در تمامی عرصه‌های فعالیت اجتماعی ضروری دانسته است. اما این جنبش برای آنکه بتواند ایفای نقش مؤثری در گسترش و سازمان‌یابی جنبش ارتقا یافته زنان باشد باید تغییراتی در تاکتیک‌های مبارزاتی و نظریات خود نسبت به مسایل زنان بوجود آورد. در غیر این صورت از تشخیص نیروی بالفعل جنبش زنان و درک اولویت‌های آن موفق نخواهد گردید. امروز طبیف وسیعتری از زنان در جستجوی هویت فردی خویش بدین اعتقاد رسیده‌اند که علاوه بر مسایل طبقاتی، دموکراتیک و ملی، به جنبش مستقل زنان احتیاج دارند که حول آن بتوانند با مسایل مربوط به مناسبات نا برابر و ستم‌گشایی جنسی به مبارزه برخیزند. گسترش جنبش‌های مستقل زنان و تعمیق محتوای این جنبش‌ها یکی مهمترین روندهای مبارزه دموکراتیک در جامعه ما است. شایان ذکر است که جوانب متعدده مسئله زن و نابرابری زن و مرد، خود حاکی از آن است که این امر صرفاً یک مسئله سیاسی با راه‌حلهای سیاسی نیست، بلکه یک معضل فرهنگی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نهادی شده در مجموعه نهادی جامعه است که رفع آن به راه‌حلهای گوناگون، پیچیده و دراز مدت نیازمند است. اما این واقعیت نافی کوشش برای انجام هر آنچه که از امروز برای حل آن میسر است نیست و تعویق و محول کردن چنین کوشش‌های به آینده و به حل این یا آن معضل دیگر را مجاز نمی‌دارد.

کمسیون امور زنان شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در جهت مشارکت بیشتر جنبش عمومی دموکراتیک در مبارزه برای تأمین حقوق زن طرح زیر را به کنگره پنجم سازمان ارائه می‌دهد. قابل ذکر است که در تهیه این برنامه از زنان مستقل و متفکر با نقطه نظرات مختلف، نظر خواهی شده است. امیدواریم این اقدام در خدمت گسترش مبادله آراء و افکار پیرامون مسئله زنان قرار گیرد.

طرح پیشنهادی

به پنجمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

برای تأمین حقوق زنان

در راه تأمین برابر حقوقی

زنان با مردان

جنسی در سایر تشکیلات دولتی. در استخدام، کارگزینی و ترفیع هر گونه تبعیض اعم از تبعیض جنسی، مذهبی، قومی، سنی و طبقاتی باید جرم شناخته شود و توسط قانون منع گردد.

۶ - ارتقای فرهنگ روابط اجتماعی

مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه‌های گروهی و سایر نهادهایی که به گونه‌ای می‌توانند در ارتقای فرهنگ حاکم بر روابط اجتماعی مؤثر واقع شوند، باید در ترویج اندیشه برابری زن و مرد و لغو تبعیض جنسی بکوشند. برنامه درسی و آموزشی مدارس باید شامل تعلیمات لازم برای پرورش روح برابری جنسی گردد. دختر و پسر در همه دوره‌های آموزشی باید بتوانند در کنار هم به تحصیل بپردازند.

۷ - انجمن‌ها و جمعیت‌های مستقل زنان

ایجاد جمعیت‌ها و انجمن‌هایی که هدف خود را بسیج زنان و آگاه کردن آنان در راستای دستیابی به حقوق فردی و اجتماعی خود اعلام می‌کنند، باید مورد حمایت قانون قرار گیرد.

۸ - آزادی پوشش

تاکنون چادر و حجاب تحمیلی، به مثابه ابزار سیاسی در خدمت سیاست جنسی عمل کرده است و در خدمت تحکیم و تقویت درونی سیستم مردسالاری و در خدمت حفظ تقسیم قلمرو مرد و زن بکار گرفته شده است. قانون باید تأمین و تضمین‌کننده آزادی پوشش برای زنان باشد و تحمیل حجاب را ممنوع کند.

۹ - آزادی و برابری حقوقی زنان در آموزش

قانون باید تأمین‌کننده برابری حقوقی کامل زنان در امر آموزش و تدریس باشد. در مقابله با شرایط موجود، باید برای زنان در همه عرصه‌های آموزشی امکانات و امتیازات ویژه در نظر گرفته شود. آموزش دختران و پسران باید تا سن ۱۶ سالگی اجباری شود. باید از حقوق فرزندان در برابر والدینی که مانع از تحصیل فرزندان خود می‌شوند از سوی دولت دفاع شود.

۱۰ - ازدواج، طلاق و سرپرستی فرزندان

آزادی و برابری کامل حقوق زن و مرد در ازدواج و طلاق باید تأمین شود. زن و مرد در امر همسرگزینی و ازدواج باید کاملاً آزاد بوده و هر گونه جبر و تحمیلی در امر ازدواج افراد باید ممنوع شود. حق طلاق باید برای هر دو طرف محفوظ باشد. برابر حقوقی زن و مرد در سرپرستی فرزندان باید تأمین شود. از آنجا که کماکان جامعه بار اصلی مسئولیت کودک را بر دوش زنان گذاشته است، باید در قانون طلاق حق زن برای سرپرستی فرزند (حضانت و ولایت) به رسمیت شناخته شود. قانون باید حق تصمیم‌گیری درباره جلوگیری از بارداری و سقط جنین را تا سه ماه برای زنان محفوظ دارد و دولت را موظف به حمایت از هر تصمیمی کند که زن با اراده آزاد خود اتخاذ می‌کند. در صورت تصمیم به ادامه بارداری از سوی زن، دولت موظف به حمایت اقتصادی و حقوقی از مادر و فرزند است. دولت موظف است برای نوزادان و کودکان امکان نگهداری رایگان در مهد کودک و کودکستان را ایجاد کند. این حق باید از بدو تولد شامل فرزندان پدران و مادران شاغل، و از سه سالگی شامل همه کودکان گردد.

محاصل مادی زندگی مشترک زن و مرد، بطور مساوی متعلق به هر دو است، صرف‌نظر از آنکه کدامیک در بیرون از خانه و کدامیک در خانه کار کرده باشند. در هنگام طلاق نیز اصل بر تقسیم عادلانه محاصل مادی زندگی بین دو طرف است.

مقررات فعلی اسم‌گذاری فرزندان، بازتاب تلقی از فرزندان به عنوان متعلقات مرد است. ما می‌گوییم در تعیین نام خانوادگی، باید با توافق زن و شوهر، نام خانوادگی زن یا شوهر به فرزندان تعلق گیرد.

۱۱ - ممنوعیت چند همسری

و تعیین سن مناسب ازدواج

چند همسری، هم در شکل رسمی ازدواج و هم در شکل صیغه باید ممنوع شود. سن قانونی ازدواج برای زنان و مردان باید بطور مساوی و مطابق قانون و عرف جوامع متقدم ۱۸ سال اعلام شود. قانون باید از حق انتخاب آزاد همسر توسط زنان دفاع کند.

۱۲ - برابری در مقررات ارث

در جمهوری اسلامی به زن در ارث، تنها نیمی از سهم مرد تعلق می‌گیرد. ما می‌گوییم هر گونه نابرابری در مقررات ارث باید ممنوع شود. سهم زن و مرد و فرزندان دختر و پسر در میراث باید یکسان باشد.

۱۳ - مقابله با خشونت علیه زنان و کودکان

قانون باید با هر گونه سوء استفاده مردان از قدرت خود علیه زنان مقابله کند. هر گونه خشونت علیه زنان باید صرف‌نظر از اینکه از جانب کدام مرد صورت گرفته است، جرم

محبوب شود و مورد پیگرد کیفری قرار گیرد. در ادای شهادت پیرامون جرایمی مانند تجاوز جنسی، باید به محظورات و موقعیت روانی قربانی توجه لازم مبذول داشته شود. برای اشخاصی که چه با جلب رضایت والدین یا سرپرستان و یا به عنف، چه بعنوان «شوهر» چه بعنوان دیگر، دخترانی را که به سن قانونی نرسیده‌اند، به تمکین وادارند و یا بهر طریق از آنان سوء استفاده جنسی کنند باید مجازات قانونی در نظر گرفته شود.

۱۴ - ایجاد خانه‌های امن

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از ایجاد خانه‌های امن برای زنان حمایت می‌کند. خانه‌های امن، نهادهایی هستند که هیچگونه وابستگی سیاسی و مذهبی ندارند. این نهادها با فعالیت خود، علیه تحمیل هر گونه فشار و خشونت بر زنان و کودکان مقابله می‌کنند. همچنین خانه‌های امن، انجمن‌هایی فرهنگی نیز خواهند بود که برای برابری و آزادی در همه شئون اجتماعی فعالیت می‌کنند.

۱۵ - به رسمیت شناختن

شان اجتماعی کار خانگی

جامعه ما در آینده نیز سال‌ها غیرمرد همه کوشش‌ها برای تقسیم مساوی وظایف زن و مرد، کماکان با این موقعیت مواجه خواهد بود که زنان، بار اصلی کار در خانه و رسیدگی به نیازهای خانواده را بر عهده دارند. از این رو باید جامعه، کار خانه را به عنوان فعالیتی به لحاظ اجتماعی و اقتصادی مفید و معتبر به رسمیت بشناسد و برای آن اعتبار اجتماعی قائل شود.

۱۶ - بسیج امکانات جامعه برای توسعه

و افزایش نقش اجتماعی زنان

همه امکاناتی که می‌تواند در خدمت توسعه و افزایش نقش اجتماعی زنان قرار گیرد، باید به موجب قانون بسیج شود. دولت موظف به اجرای برنامه‌هایی در خدمت این هدف است.

۱۷ - حمایت از جنبش‌های مستقل

و فمینیستی زنان.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از جنبش‌های فمینیستی و مستقل زنان که در جهت کسب آزادی و برابری برای زنان تلاش می‌کنند حمایت می‌کند. ما از فعالیت‌ها و تشکل‌های مستقل زنان حمایت می‌کنیم و گسترش و تحکیم آنها را به سود تأمین حقوق زنان و گسترش دمکراسی می‌دانیم.

سازمان فدائیان خلق ایران

و مسئله زن در سازمان

در شرایط امروز ایران، امکانات فعالیت سیاسی برای زنان آگاه و مایل به فعالیت بسیار کمتر از مردان فراهم است. این امر قبل از هر چیز به موقعیت زن در جامعه و خانه باز می‌گردد. از این رو، حتی چنانچه به لحاظ حقوقی، برابری کامل برقرار باشد، در استفاده از این حقوق نابرابری به زیان زنان وجود دارد. این مشکل، حتی دانشگیر رشد یافته‌ترین و دمکرات‌ترین سازمان‌های سیاسی نیز هست. از این رو سازمان ما به منظور جلب بیشتر زنان به فعالیت سیاسی و تأمین شرایط شرکت آنها در همه روندهای فکری، سیاسی و سازمانی، مقدماتاً تدابیر زیر را به اجرا می‌گذارد

- ۱ - سازمان ما موافق امتیاز ویژه مثبت برای زنان در انتخابات سازمانی است. این امتیاز ویژه، به صورت درصد مشخصی در سنجش آرای مربوط به انتخابات تشکیلاتی تحقق می‌یابد. در شرایط کنونی سازمان ما، امتیاز مزبور می‌تواند به صورت افزایش پانزده درصد از آرای کسب شده توسط یک کاندیدای زن بر آرای او باشد. این امتیاز مثبت به مثابه تلاش برای کاستن از نابرابری تحمیلی به زنان، اقدامی دمکراتیک است.
- ۲ - اختصاص تسهیلات ضرور و متناسب با نیازمندها برای رساندن نشریات و نظریات سازمان و جنبش دمکراتیک به زنان هم‌زمن
- ۳ - از آنجا که معمولاً مسئولیت نگهداری از کودکان بر عهده مادر است و این امر در بسیاری از موارد، مانع شرکت یک زن در یک حرکت مشخص می‌شود، سازمان باید هنگام برگزاری جلسات مهم و کنگره‌ها تدابیر ضرور جهت کمک به زنان برای حل این مسئله اتخاذ کند. از جمله باید در جریان برگزاری کنگره‌ها، محل و مسئولان مشخصی (اقتضای یا در صورت لزوم پرداختی) برای نگهداری از کودکان در نظر گرفته شود.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه تحقق اهداف این برنامه از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد. ما این طرح را به گونه پیشنهادی برای تبادل نظر و همفکری و همکاری با همه سازمان‌های سیاسی و سازمان‌های فمینیستی و مستقل زنان ارائه می‌کنیم و امیدواریم که جنبش ما در زمینه دفاع از حقوق زن بتواند هرچه بیشتر صفوف خود را فشرده کند. بگذار تا صرف زنان مبارز و آزادیخواه مبین ما در پیکار رهاییبخش خود برای برابری و آزادی، هر چه فشرده تر گردد. بگذار تا گام‌های استوار ما، به زن‌ستیزی حاکم بر کشور ما خاتمه دهد. بگذار تا در ایران فیردا، زن و مرد در کنار هم و به اتفاق هم برای زدودن همه آثار عقب ماندگی و ستم بکوشند.

کمسیون امور زنان سازمان فدائیان خلق

ایران (اکثریت)

۱۷ خرداد ۷۶

کوبا: سیاست «با حساب خود»

برای وزیر اقتصاد کوبا - خوزه لویس رودریگز - یک «معجزه واقعی» رخ داده است. واقعی این است که کوبا پس از سقوط اقتصادی بین سالهای ۱۹۹۳ - ۱۹۸۹ به آرامی خود را جمع و جور می‌کند. طی این چهار سال کوبایی‌ها شرکای تجاری سوسیالیستی‌اش را از دست دادند، با محاصره سخت و همه سویی سویی آمریکا مواجه بودند و ۴۰ درصد درآمد ملی‌اش کاهش یافت. مردم گرسنگی کشیدند. به دلیل کمبود نفت، روزانه، برق خانه‌ها و کارخانه‌ها قطع می‌شد و در روستاها و ریزه‌پاره‌ها روزانه به زیر یوغ بردند. «سقوط آزاد» در سال ۱۹۹۴ پایان گرفت. رشد اقتصادی در سال ۱۹۹۵، ۲/۵ درصد، در سال ۱۹۹۶، ۷/۸ درصد و امسال هم به همین میزان ادامه پیدا می‌کند. آمار مهم‌ترین بخش‌ها - توریسم، دخانیات، شکر، صید ماهی و مرکبات

نمی‌گیرد و «تقاضای» توریست‌ها در این مورد هنوز هم در برلین، نیویورک و پاریس سهل‌تر بر طرف شدنی است تا وارد اروپا و گفنتی است که تعداد توریست‌ها در چهار سال اخیر همان‌گونه که دولت در نظر داشت دو برابر شد. در سال قبل یک میلیون توریست ۱/۳ میلیارد دلار در کوبا خرج کردند، ۳۰ درصد از این مبلغ به صندوق دولت سوسیالیستی ریخته شد. تا سال دوهزار این حساب باید دو برابر شود. توریسم واقعاً یک غده رشد است.

اما صنعت توریسم فقط یکی از غده رشد است. کوبایی‌ها اضافه بر این موفق شدند سینی تولیدهای کشورشان را متنوع‌تر و وسیع‌تر کنند و صادرات شکر را نیز افزایش دهند. آنها ۳۰ درصد بیش‌تر شکر تولید کردند و به همین دلیل در ازای یک میلیون تن شکر از روسیه ۳ میلیون تن نفت

کالاهایی که با پیروز خرید می‌شود فوق‌العاده افزایش یافته در بازار سیاه نرخ معامله دلار تا میزان یک بیست بیست سقوط کرد.

دلیل تأمین بهتر مواد غذایی مردم «سومین رفم ارضی» است که در سپتامبر سال ۱۹۹۳ آغاز شد. بخش بزرگی از مزارع دولتی در اختیار کشاورزی‌های دهقانان مستقل و دهقانانی که به تنهایی کار می‌کنند، گذاشته شد. ۸۰ درصد از مساحت زیر کشت با این رفم اداره می‌شود و رشد بی‌محابای محصولات زراعی نمودارش را بیش از هر چیز در بازارهای روز که از سپتامبر سال ۱۹۹۴ شروع به فعالیت کردند، نشان می‌دهد.

هم‌پا با خصوصی‌سازی در بخش ارضی در شهرها سیاست «با حساب خود» برای ایجاد کار آغاز شد. تاکنون برای ۱۴۰ شغل از جمله کفناشی، آرایش‌گری، نجاری، باغبانی و غیره راه



گرفتند. بدون آنکه تولید rum (مشروب الکلی) یا مصرف داخلی شکر دچار مشکل شود. نرخ رشد بین ۱۰ تا ۲۰ درصد در همه شاخه‌های اقتصادی قطعی است. این‌که صنعت توریسم شاخه‌های دیگر اقتصادی را تحت‌الشعاع خود قرار نداده است را به بهترین شکل می‌توان با آمار شاغلین اثبات نمود. از چهار میلیون شاغل، فقط ۱۵۰ هزار تن - ۴ درصد - در این بخش فعال‌اند.

علاوه بر این باید ذکر کرد که فاحشه‌گری در کوبا «ناهنجاری اجتماعی» تلقی می‌شود. دست‌گناه قضایی و پلیس انرژی‌اش را معطوف به مقابله با پانداها و دلال‌ها می‌کنند تا فاحشه‌ها. به فاحشه‌های دست‌گیر شده توسط پلیس دوبار هشدار داده می‌شود، اگر مورد سومی روی دهد آنها را به دادگاه می‌برند و در صورتی که محکوم شوند باید به کار در بخش کشاورزی تن دهند.

دلیل پیش‌رفت اقتصادی کوبا نه عرضی سکنی، بلکه دسته‌ای از ابتکارهای اقتصادی و مالی است که از سال ۱۹۹۳ تصمیم به اجرای آنها گرفته شد. اولین ابتکار در آگوست ۱۹۹۳ قانونی کردن دلار بود که آن‌زمان در بازار سیاه در ازای ۱۴۰ پیروز معامله می‌شد. با این حرکت حساب‌شده دولت موفق شد دلار آزاد را به صندوق خود و مغازه‌های ارزی تازه تأسیس، سرازیر کند. یک میلیون کوبایی مهاجر در آمریکا سالانه ۵۰۰ میلیون دلار به طور غیرقانونی به کوبا می‌فرستند که مسیب اصلی بازار سیاه مهار نشدنی تا سال ۹۳ بود. در بخش توریسم، شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشترک و شاخه‌های اقتصادی مهم مانند شکر و توتون، شاغلین قسمتی از حقوق‌اشان را با دلار دریافت می‌کنند، به این شکل نیمی از مردم در بازار دلار سهیم‌اند. هم‌زمان چون در بازار عرضه

پیروز به ۴/۲ میلیارد پیروز افزایش یافت و ۳۵ درصد بودجه را در برمی‌گیرد. قابل ذکر است که اجناس ۲۸ درصد و مواد غذایی تا ۵۰ درصد گران‌تر شده‌اند. بدون کوبن‌های غذایی - لیبرتا - مکانیسم‌های بازار برای اقشار کم‌درآمد که به دلار دسترسی ندارند، عواقب ناگواری را رقم می‌زد. تعادل اجتماعی برآمده از انقلاب، به گذشته تعلق دارد. فاصله فقیر و غنی بیش‌تر می‌شود. با این وجود اکثریت قوی از مردم از رفم‌ها پشتیبانی می‌کنند. در ۸۰۰۰۰ اجلاس شوراهای کارگری ۳ میلیون شاغل پیرامون رفم‌ها به بحث نشستند و روند فوق‌را تأیید کردند. انگیزه اصلی مردم در حمایت از رفم‌ها که در نشست‌های فوق نیز ابراز می‌شد، این بود که بازار سیاه و مقابله با دلال‌ها است. نتیجه یکی از تحقیقات کمیته مرکزی حزب کمونیست در آوریل ۱۹۹۶ نشان می‌دهد که ۴۵ درصد از مردم پشتیبان جدی انقلاب‌اند، ۳۰ درصد برای این موضع می‌مانند اگر وضع بهتر شود و ۲۵ درصد دیگر را می‌توان مخالف خواند. حزب تعداد افرادی را که خواهان مهاجرت از کوبا هستند، ۵۰ هزار نفر تخمین می‌زند، یعنی ۱۰ درصد جمعیت بالغ کشور. از سوی دیگر سالانه بر تعداد اعضای حزب ۵ درصد افزوده می‌شود. حزب اکنون ۷۵۰ هزار عضو دارد. رشد کمی حزب راه را برای جوان‌گرایی هموار می‌کند و نکته جالب در این میان این است که اعضای نوین از روی اعتقاد به حزب می‌پیوندند. دورانی که برای طی کردن مدارج ترقی باید عضو حزب می‌بود، به سر رسیده است. امروز عضو حزب شدن یعنی وظیفه بدوش گرفتن، یعنی «در درس» پیش‌تر.

پیرامون چشم‌انداز رفم‌ها دو سوال جدی وجود دارد، سوال اول این است که سرروشت گشایش جامعه به روی مکانیسم‌های سرمایه‌داری به کجا ختم می‌شود؟ دولت سوسیالیستی می‌تواند این مکانیسم‌ها را کنترل کند و یا این مکانیسم‌ها جامعه را تحت سلطه خود خواهند گرفت؟ دومین سوال این است که آیا رشد اقتصادی ادامه پیدا می‌کند و یا کوبا با دشواری‌های اقتصادی بزرگی مواجه خواهد شد.

هم‌اکنون نیز گسترده‌گی بخش خصوصی نگران‌کننده است. در بخش کشاورزی ۸۰۰۰۰۰ هزار برای نفع شخصی کار می‌کنند. در عرصه «با حساب خود» رسماً ۲۰۰ هزار نفر کار می‌کنند، ۱۵۰ هزار نفر غیرقانونی و ۲۰۰ هزار تن دیگر در رستوران‌ها، موسسات توریستی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشترک فعال‌اند. باید اضافه کرد در اکثر موارد خبری از بدترین شکل استثمار سرمایه‌داری نیست، بلکه اقتصاد سرمایه‌داری در اشکال نامیلی و خودگردان خود را نمایان می‌کند. اما یک سوم جمعیت شاغل در بخش خصوصی کار می‌کنند که در آن اتفاقی از ویژگی‌های تیپیک سرمایه‌داری یعنی طمع ورزی و بی‌مسئولیتی اجتماعی با هم در آمیخته است. رفم‌های آتی به این روند سرعت می‌دهد. صنایع متوسط و کوچک قرار است، خصوصی شوند. با ایجاد «مناطق تجاری آزاد» کوبا می‌خواهد سرمایه خارجی بیشتری را به کشور جلب کند. زمان زیادی طول نخواهد کشید تا بخش عظیمی از شاغلین در بخش خصوصی مشغول به کار شوند.

مشکل بزرگ دیگر کوبا مسائل «صرف اقتصادی» است. بدیهی است که رشد اقتصادی موجود با پدیده‌های تأمین می‌شود. بدهی‌های داخلی دولت که بدهی‌های شرکت‌های دولتی را نیز در بر می‌گیرد، بالغ بر ۲۲ میلیارد پیروز یعنی ۱۵۰ درصد بودجه تخمین

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

Verleger: I.G.e.v

دارنده حساب: I.G.e.v
شماره حساب: 22 44 20 32
کد بانک: 37 05 01 98
نام بانک: Stadtparkasse Köln
Germany

شماره فاکس: 0049 - 221 - 331 82 90

بهای اشتراک

اروپا: شش ماهه - ۴۵ مارک
سایر کشورها: شش ماهه - ۵۲ مارک
یک ساله - ۹۰ مارک
یک ساله - ۱۰۴ مارک

GER.....3 DM.

فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:

مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

نام: Name:.....

نشانی: Address:.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر)

به آدرس www.geocities.com/capitolhill/2902 پست کنید!

را بر روی شبکه اینترنت بخوانید

نشریه کار از طریق شبکه جهانی اینترنت نیز در دسترس شماست. علاقمندان می‌توانند علاوه بر آخرین اعلامیه‌های سازمان و مهم‌ترین خبرهای مربوط به کشور، صفحات آخرین شماره‌های نشریه، مقالات برگزیده شماره‌های پیشین کار، اسناد کنفرانس سازمان و همچنین مطالب بولتن News & Views را به چند زبان بین‌المللی، زیر آدرس‌های:

<http://www.geocities.com/capitolhill/2902>
<http://www.magnet.at/iran.kar.fadai.aksariyat>

ملاحظه کنند.

مقالات اصلی هر شماره همچنین به خط گوردوز برای گروه خبری فرهنگی ایرانیان (soc.culture.iranian) ارسال می‌گردد. خواندن این مقالات را به کسانی که به اینترنت دسترسی دارند و مشترک نشریه‌ی کار نیستند توصیه می‌کنیم.

آدرس پست الکترونیکی: fadai.aksariyat@magnet.at

واحد سوئد سازمان نیز صفحاتی را در اینترنت برای مراجعه شما تهیه کرده است. شما می‌توانید مستقیماً از طریق آدرس:

<http://hem1.passagen.se/aksariyat>

و یا از راه آدرس‌های فوق به این صفحه نیز دسترسی داشته باشید

نگاهی کوتاه به

انتخابات

ادامه از صفحه ۷

و خیمه‌سب‌بازی می‌خواندند. بنظر من این تحلیل نادرست از خود شعار تحریم و مهر است و اصولاً به ارزیابی شناخت ما از کل نظام جمهوری اسلامی باز می‌گردد. برای در پیش گرفتن یک سیاست مشترک این مطلب باید به بحث گذاشته شود.

سیاست مخالفت با تحریم به مردم می‌گفت که رای شما در انتخابات مؤثر است. ناطق نوری (و حتی رفسنجانی) با خاتمی تفاوت‌های اساسی دارند و از سوی دیگر سیاست رای سفید می‌گفت میلیون و آزادخواهان ایران با خاتمی تفاوت دارند و همبستگی با نیروهای ملی درون کشور را در راستای ایجاد یک بدیل غیر مذهبی و دمکرات متبلور می‌ساخت. باری جای بحث در باره شعارهای متفاوتی که در این انتخابات امکان داشت بسیار است و هر کدام نقاط قوت و ضعف خود را دارند ولی مهمتر از آنها تحلیل‌هایی است که به شعارها منتج می‌شوند.

زده می‌شود. از آنجایی که کسری بودجه رفع شدنی نیست، سال به سال بر بدهی دولت افزوده می‌شود و دولت مجبور است مرتباً بخش بزرگی از سهم بودجه خود را به جای افزایش تولید و هزینه‌های اجتماعی به بازپرداخت بدهی‌ها اختصاص دهد.

بدهی‌های خارجی کوبا می‌توانند عواقب وخیم‌تری را رقم زنند. ارقام این بخش محرمانه‌اند. متخصصان کوبایی صحت از ۱۱ میلیارد دلار می‌کنند. با توجه به کسری موازنه پرداخت تجاری این رقم واقعی به نظر می‌رسد. هر چند دولت کوبا تاکنون مصرانه با «اعتبارهای سیاسی» از قبیل اعتبار بانک جهانی که چندی پیش هیئتی به هاوانا فرستاد، مخالفت می‌کند، اما فشار اقتصادی برآمده از بدهی‌های خارجی سنگین است. برای این‌که سالانه حداقل یک میلیارد دلار بهره و قسط بازپرداخت شود، می‌بایست قیمت‌ها افزایش یابند، هزینه‌های عمومی کاهش یابند، واردات کمتر شوند و صادرات بیشتر شوند. رفع همه این مشکلات و تأمین بهتر مایحتاج مردم در شرایطی که محتملاً برداشت محصولات کشاورزی در سال جاری بد خواهد بود، «معجزه» بعدی انقلاب کوبا است.

برگردان: داراب شکیب

ناتو، کشورهای چک، لهستان و مجارستان را

به صفوف خود می‌پذیرد

پیمان نظامی ناتو در سالگرد پنجاه سالگی‌اش، چراغ سبز به کشورهای مجارستان، لهستان و جمهوری چک برای پیوستن به این پیمان در آوریل سال ۱۹۹۹ نشان داد. این تصمیم در اجلاس سران ۱۶ کشور عضو در مادرید اعلام شد. در ماههای اخیر گسترش پیمان ناتو تا مرز روسیه و ورود برخی کشورهای اروپای شرقی به صفوف ناتو یکی از مسائلی مورد اختلاف آمریکا و اروپای غربی با روسیه بود. در حاشیه اجلاس سران کشورهای صنعتی در دنور، روسیه آخرین مقاومت‌ها در برابر گسترش ناتو را نیز به کنار نهاد. در آستانه اجلاس مادرید، مورد دیگری برجسته‌گی یافت. تشدید اختلاف اعضای ناتو بر سر پیوستن چه کشورهایی به این پیمان. آمریکا در اجلاس مادرید سیاست‌های از پیش اعلام شده خود را بر دیگر هم‌پیمانانش تحمیل کرد. کینکل وزیر امور خارجه آلمان با اشاره به این قضیه گفت: اخیراً

آمریکایی‌ها منافع‌شان را خیلی بی‌پرده پیش می‌برند. دولت فرانسه و برخی کشورهای اروپایی بر ورود رومانی و اسلوانی به ناتو اصرار داشتند. کلیتون رییس جمهور آمریکا با اشاره به پیوستن لهستان، مجارستان و چک و مخالفت با حضور رومانی و اسلوانی گفت: ۳ یعنی ۳ همیز صفر. نزدیک‌ترین متحد آمریکا در این کلیتون کاملاً جانبداری کرد. شب قبل از اعلام نتایج اجلاس مادرید، در اقامتگاه کلیتون نشستی بین او و تونی بلیر برگزار شد. آلیستر کامبل سخنگوی بلیر پس از پایان این دیدار گفت: فقط ۳ کشور اضافه می‌شوند، نقطه. پایان. ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه بازنده بزرگ اجلاس مادرید بود. پس از وقایع کنگو و کاهش امکان تأثیر گذاری فرانسه در آفریقا و مسئله فرماندهی جنوب ناتو مستقر در ناپل که اروپایی‌ها و به ویژه فرانسه سعی بر آن داشتند فرماندهی را از دست

آمریکایی‌ها در آورند، با بیرون ماندن رومانی و اسلوانی از صفوف ناتو، شیراک متحمل شکست دیگری شد. در بیانیه پایانی اجلاس صرفاً از رومانی و اسلوانی به عنوان کشورهای چک برای پیوستن به ناتو گام‌هایی برداشته‌اند، نام برده شد. تصمیم ناتو با عکس‌العمل‌های متفاوتی مواجه شد. یوگنی پیرماکوف وزیر امور خارجه روسیه اقدام ناتو را بزرگ‌ترین خطای سیاسی پس از پایان دوران جنگ سرد دانست. واسلا هاول رئیس جمهور چک که در زمان قدرت داشتن کمونیست‌ها خواهان انحلال پیمان‌های نظامی بود در مقابل اظهارات میلوس زهمان رهبر سوسیال دمکرات اپوزیسیون که همه پرس‌ها برای ورود به ناتو را مطرح کرد تندتند نشان داد. در یک سرشماری در نیمه دوم ماه گذشته فقط یک سوم از مردم این کشور از ایده ورود به ناتو طرفداری کردند. وزیر امور خارجه چک که از خواهران جدی ورود به

ناتو است، اظهار داشت «به مثبت‌های ما افزوده شد. ما برای سرمایه‌های عزیزتر شدیم». در لهستان و مجارستان دولت و اپوزیسیون از پیوستن به ناتو ابراز خرسندی کردند. رومانی که در آستانه اجلاس مادرید خواسته‌اش از سران ناتو را تا حد روشن کردن تاریخ ورودش در مرحله دوم کاهش داد، از نتایج اجلاس ناراضی‌اش را ابراز داشت. گسترش پیمان نظامی ناتو هزینه‌های جدیدی بر دوش مردم اروپای شرقی خواهد گذاشت. هزینه‌هایی که امروز قابل پیش‌بینی نیست. ورود به پیمان ناتو در ادامه راه را برای همسان‌سازی نظامی باز خواهد کرد. این همسان‌سازی، جیب کنسرن‌های نظامی را قطعاً پرتو و جیب خالی مردم اروپای شرقی را خالی‌تر خواهد کرد. سران ناتو با تصامیم مادرید، رسماً وعده‌های عدم گسترش ناتو در زمان گارباچف را به کنار نهادند.

به دنبال برگزاری انتخابات در فرانسه و پیروزی جبهه ائتلافی چپ، پیام‌های تیرکی از سوی دفتر روابط بین‌المللی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به آقای لیونل ژوسپن نخست‌وزیر فرانسه، آقای روبر او دبیرکل حزب کمونیست آن کشور و آقای ژان پیر شومان وزیر کشور فرانسه، ارسال شد.

در زیر متن نامه‌های ارسالی از نظراتان می‌گذرد

۱۶ ژوئن ۱۹۹۷

جناب آقای ژوسپن نخست‌وزیر

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) پیروزی نیروهای چپ فرانسه، در رأس آن حزب سوسیالیست را در انتخابات پارلمانی، صمیمانه تبریک می‌گوید. موفقیت شما را در خدمت به مردم فرانسه و صلح جهانی آرزومند است. اکنون که به خواست نیروهای مترقی و مردم آزادخواه فرانسه دولت شما به روی آگار آمده است. نیروهای چپ و دمکرات ایرانی از شما انتظار دارند که رابطه با دولت جمهوری اسلامی ایران را بر اساس رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط رژیم ایران تنظیم نمایند. از دولت ایران بخواهید که به سرکوب نیروهای چپ و دمکرات پایان دهد. پس از روی کار آمدن ج.ا. تاکنون بیش از دویست نفر از اعضای نیروهای مختلف اپوزیسیون ایرانی در خارج از ایران از جمله تعداد قابل توجهی از آنان در فرانسه توسط تروریست‌های اعزامی ج.ا. ترور شده‌اند. ما از شما می‌خواهیم که ضمن حفاظت از جان ایرانیان مقیم فرانسه نسبت به سیاست تروریسم دولتی ج.ا. اعتراض نمایید و هرگونه کمک به ج.ا. و گسترش رابطه با آن را منوط به رعایت قوانین بین‌المللی و اجرای منشور جهانی حقوق بشر از طرف دولت ایران بنمایید.

پیروزی دولت شما را در راه برآوردن خواسته‌های مردم فرانسه و تحکیم صلح جهانی آرزومندیم.

دفتر روابط بین‌المللی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

۱۶ ژوئن ۱۹۹۷

آقای روبر او دبیر کل حزب کمونیست فرانسه

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) پیروزی چشم‌گیر حزب کمونیست به رهبری شما در انتخابات پارلمانی فرانسه را تهنیت گفته و تلاش حزبتان را در پیروزی نیروهای چپ در راستای عدالت اجتماعی و تقویت صلح جهانی تحسین می‌نماید.

رفیق عزیز! اکنون که حزب شما در تشکیل دولت کنونی فرانسه نقش به‌سزایی دارد، امید ما از شما این است که رابطه دولت شما با جمهوری اسلامی ایران بر رعایت موازین بین‌المللی حقوق بشر تنظیم گردد. به سهم خود تلاش ورزید که دولت شما، اعدام و سرکوب و شکنجه در ایران را محکوم نماید و اجازه ندهد که رژیم ایران همچنان به اعدام و آزار و شکنجه نیروهای چپ و دمکرات و نویسندگان و اعزام تروریست به خارج از کشور ادامه دهد. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بار دیگر برای شما و حزبتان آرزوی پیشرفت و موفقیت در راستای بسط دمکراسی و عدالت اجتماعی و تحکیم صلح جهانی می‌کند.

دفتر روابط بین‌المللی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

۱۶ ژوئن ۱۹۹۷

جناب آقای ژان پیر شومان وزیر کشور فرانسه

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به مثابه یک نیروی چپ دمکرات ایرانی پیروزی جنبش شهروندان به رهبری شما را در پیروزی انتخابات اخیر پارلمانی فرانسه، صمیمانه تبریک می‌گوید.

از شما انتظار داریم بکشید رابطه دولت فرانسه، با ایران بر مبنای رعایت حقوق بشر و قطع اعزام تروریست به خارج و قطع اذیت و آزار نیروهای چپ و دمکرات و نویسندگان تنظیم گردد. ...

برای شما و جنبش شهروندان در راه عدالت اجتماعی و دمکراسی و تحکیم صلح جهانی آرزوی موفقیت نمایم.

دفتر روابط بین‌المللی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

توضیح

در شماره گذشته کار فهرست نام جانباختگان و شهدای سازمان درج شده بود. خود واقف بودیم که این فهرست نام کامل و توأم با اشتباهاتی خواهد بود و درخواست کردیم ما را در تکمیل فهرست مزبور با ارسال اطلاعات خود به آدرس نشریه کار جاری رسانید. برخی خطاها، ناشی از کمبود اطلاعات، برخی ناشی از اشتباه‌دگی برای آماده کردن لیست مزبور و انتشار آن به مناسبت ۸ تیر روز شهدای فدایی بود. ضمن پوزش از بروز خطاهایی که با دقت بیشتر و سازماندهی بهتر امکان رفع آنان موجود بود، در زیر به تصحیح برخی از خطاها و نواقص می‌پردازیم. به‌درواسقت اطلاعات بیشتر در یکی از شماره‌های آتی نشریه مجدداً فهرست اصلاحی را اعلام خواهیم کرد.

* نام رفیق خسرو رجیبه شایان از شهدای فاجعه ملی از قلم افتاده است.
* نام رفیق فرامرز حمید از دستگیر شدگان واقعه دانشگاه رشت که تیرباران شد از قلم افتاده است.

* نام رفیق حسین شهری زاد از قلم افتاده است.
* نام رفیق عزیز میر فلاح از قلم افتاده است.

* نام عباس جعفری به اشتباه در میان اعدام شدگان سال ۶۵ قید شده‌است.
* احمد بهتاش و بهرام بهتاش اسامی دیگر رفیق شهید احمد ثقلینی بوده‌اند و به اشتباه جزو اعدام شدگان سال ۶۵ ذکر شده‌است.

* نام رفیق اکبر مرادیان (تیرباران در زندان‌های جمهوری اسلامی) از قلم افتاده است.

* نام شهید بهروز سلیمانی، مینارقیعی، محمدعلی پاریاو، مسعودصاری، جلال دهقان، رحیم تشکری، حسن زکی زاده به‌اشتباه جزو شهدای سازمان ذکر شده است.

* اطلاعات جدید دریافتی:
* سیاوش نظری فشتالی در گذشت ۴ شهریور ۷۵ به‌علت بیماری کلیه

محمد حسن کاویانی اسپلی خرداد ۵۸ باصابت گلوله حین تمیزکردن اسلحه.

قبر علی مقدم ۱۱ اردیبهشت ۷۶ سانحه در محل کار

* نام رفیق حسین کریمی از گروه «آرمان خلق» که در سال ۵۰ در زیر شکنجه کشته شد از قلم افتاده است.



بنا بر گزارش متخصصان کربایی از بولیوی آخرین بقایای پیکرانستو چه گوارا انقلابی بزرگ آمریکای لاتین در «وال‌گرانده» کشف شد. چه گوارا و همزمانش در اکتبر سال ۱۹۶۷ توسط نظامیان بولیوی به قتل رسیدند. بنا بر این گزارش فرم جمجمه، دندان قطع شده و کربندی که وی در یکی از آخرین عکس‌هایش بر کمر دارد همگی از شواهدی هستند که دلالت بر اصل بودن اسکلت یافته شده دارند.

بزرگترین شهر دنیا به «چپ» رای داد



تاکتون شهردار «مکزیکو سیتی» بزرگترین شهر دنیا از طرف رئیس جمهور مکزیک انتصاب می‌شد. این برای اولین بار بود که این مقام به انتخاب مردم گذاشته می‌شد. در این انتخابات «کارناس» نماینده ۶۳ ساله حزب چپ «انقلاب دمکراتیک» با کسب بیش از ۲۷/۷ درصد از آرا مقام نخست را احراز نمود. با انتخابات روز هفتم جولای در تاریخ مکزیک برگ نوبنی نوشته شد. برای نخستین بار از طرف ناظران انتخابات سخنی از «تقلب» در میان نبود. بعد از هفتاد سال، قدرت «ارشی» شده حزب حاکم در مکزیک شکسته شد و پیروزی حزب چپ، با همه چنگ و دندان نشان دادن‌های نظامیان، از طرف حزب حاکم به رسمیت شناخته شد. نیاید توهم داشت شهردار «مکزیکو سیتی» تمام مشکلات این شهر فقر، بیکاری، گرانسی، جنایت، سرعت و آلودگی هوا و محیط زیست را حل خواهد کرد. اما زحمتکشان و اقشار میانی بعد از سالیان نامیدی اینک این امید را یافته‌اند که رشته امور را خود در دست گیرند و شهر را «قابل زندگی» سازند. آنان دریافته‌اند که «دمکراسی امکان‌پذیر» است.

روز هفتم جولای در مکزیک انتخابات شهرداران، سناتورها، فرمانداران و نمایندگان مجلس برگزار شد. بعد از ۷۰ سال حزب دولتی «انقلاب سازمان‌یافته» (PRI) اکثریت مطلق خود در پارلمان را از دست داد و تنها ۳۸/۱ آرا را کسب نمود در حالی که همین حزب سال ۱۹۹۴ بیش از پنجاه درصد آرا را در اختیار داشت. حزب «عمل ملی» (PAN) با کسب ۲۷/۳ درصد آرا در مقام دوم قرار گرفت و حزب چپ «انقلاب دمکراتیک» (PRD) با احراز ۲۵/۸ درصد از آرا در واقع برنده اصلی این

کامبوج روی آرامش را به خود نمی‌بیند

نخست‌وزیر شد. «هون سن» وی را متهم به برهم‌زدن «توازن قوا» در ارتش می‌نماید. هفته گذشته «پنوم پن» پایتخت کامبوج شاهد اوج این اختلافات و نبردهای خیابانی نیروهای طرفدار دو نخست‌وزیر این کشور بود. «هون سن» برنده دور اول جنگ قدرت در این کشور شد. وی در یک مصاحبه مطبوعاتی نخست‌وزیر شماره یک پرنس «نورودون» را به زمینه‌سازی برای جنگ داخلی و کودتا متهم کرد. وی اعلام نمود نیروهای پرنس شکست خورده‌اند و اوضاع عادی شده

بعد از پایان یافتن دوره سیاه حکومت «خمرهای سرخ» که با مرگ میلیونها کامبوجی همراه بود به همت سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ انتخاباتی در این کشور صورت گرفت. نتیجه انتخابات این شد که پسر سیانوک «نورودون رانارید» و «هون سن» مشترکاً مقام نخست‌وزیری را بعهده گرفتند. پرنس «نورودون» از آن پس با نیروهای «پول پوت» به مذاکره پرداخت و با اعلام عفو عمومی آنها را وارد ارتش نمود. این امر آغازگر اختلافات بسین دو